

## اصول حاکم بر شیوه‌ی مدیریتی امام خمینی (ره) در کنترل بحران ناشی از جنگ تحمیلی

مرتضی برجی آلیانی\*

تاریخ دریافت مقاله ۹۴/۱۱/۲۵

دکتر حمید علوی وفا\*\*

تاریخ پذیرش مقاله ۹۴/۱۲/۱۲

صفحات: ۱۲۵-۱۷۳

### چکیده

یکی از این بحران‌های عظیم و غیره منتظره، جنگ تحمیلی می‌باشد که علیه کشور ما طراحی و اجرا شد و به دنبال آن امام خمینی (ره) با نگاه تیزبین و تدابیر هوشمندانه خود توانست به خوبی این موضوع را مدیریت و کنترل کند. این مقاله به دنبال مطالعه‌ی اصول حاکم بر شیوه‌ی مدیریت ایشان در جهت کنترل بحران جنگ تحمیلی بوده و تلاش خواهد کرد تا تأثیر ایمان، شخصیت اسلامی و تدابیر هوشمندانه‌ی ایشان را در این مدیریت به تصویر بکشد. روش تحقیق در این پژوهش کیفی و به صورت تحلیلی-توصیفی می‌باشد. توصیف و تحلیل اصول حاکم بر شیوه‌ی مدیریتی امام (ره) در کنترل بحران جنگ تحمیلی ما را به این نتیجه رهنمون ساخت که ایشان به خوبی و با درایت والایشان، تدابیر سیاسی و اصول مذهبی را در موضوعی مثل بحران جنگ تحمیلی ترکیب نمودند. مدیریت این سیاستمدار بزرگ زمانی موفق شد که با تعاریف و نظرات دینی عجین گشت. به طوری که وجود پنج اصل عزت، کرامت، عدالت، مصلحت و حفظ اسلام و نظام اسلامی، به عنوان مؤلفه‌های اصلی و نهایی اندیشه و شیوه‌ی مدیریتی امام (ره) در طول بحران جنگ تحمیلی به اثبات رسید.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی (ره)، شیوه‌ی مدیریتی، جنگ تحمیلی، بحران، کنترل،

### اصول

\* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت بحران

\*\* پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین (ع)

## مقدمه

تاریخ سی و چند ساله‌ای نظام جمهوری اسلامی ایران، همواره شامل فراز و فرودهای گوناگون و متنوعی بوده است که طبیعتاً در شکل و نحوه‌ی حرکت این نظام در سالهای پس از آن واقعه مؤثر بوده و خواهد بود. تسخیر لانه‌ی جاسوسی و تبعات بعد از آن، استعفای بازرگان، جنگ تحمیلی، خیانت‌های بنی‌صدر، ترورهای ناجوان مردانه‌ی منافقین و شهادت مسئولان و اشخاص کلیدی کشوری و لشکری، اصلاحات قانون اساسی در سال ۶۸، مسائل مربوط به بازسازی بعد از جنگ، تحریم‌های اقتصادی سیاسی نظامی، مشکلات منطقه‌ای همچون مسئله تروریسم و وهابیت در منطقه، بی‌ثباتی کشورهای همسایه، حضور نیروهای متخاصم خارجی در کشورهای همسایه، حملات نرم فرهنگی، مسائل مربوط به موضوعات هسته‌ای و همه و همه نمونه‌هایی از واقعه‌ها و بحران‌های برجسته‌ای هستند که نظام مقدس کشورمان در طول این سی و چند ساله با آنها مواجه بوده است. از طرفی ارتباط زنجیروار این موضوعات باعث می‌شود تا محقق علم مدیریت بحران، ضرورت مطالعه هر یک از حلقه‌های این زنجیر را به شدت احساس کند.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، تجربهای جدید از حکومت‌داری و مدیریت سیاسی با محوریت دین و نقش فراگیر مردم ارائه شد. مدیریت سیاسی انقلابی نوپا و جوان، که با بحرانهای متعددی روبرو است، مستلزم به رهگیری مدیران نظام انقلابی از اصولی خاص بر شیوه‌ی مدیریتی در کنترل بحران‌هاست، همچنین قابل ذکر است که همواره در جوامع انقلابی جوان، رهبران سیاسی کارزماتیک به عنوان سکان دار سیاست گذاری شناخته می‌شوند، لذا برای بررسی تحولات عمده‌ی سیاسی و نحوه عبور این کشورها از بحران‌های مختلف، شناخت رهبران و اصول حاکم بر شیوه‌ی مدیریتی آنها در کنترل بحران‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

در کشور انقلابی جوان ما ایران نیز، امام خمینی (ره) به عنوان بنیان گذار انقلاب اسلامی ایران و اندیشمندی سیاسی و فقیهی شیعی که مدیریت کلان سیاسی نظامی کشور را عهده‌دار بودند، نقشی برجسته، ممتاز و بی‌نظیر در تصمیم‌گیری‌های کلان کشوری در سیر نوسانات و بحران‌های این نظام مقدس نوپا داشته است.

امام خمینی (ره) با تسلط در برخورد با بحرانها و مهار، کنترل آنها به طراحی الگویی نوین از مدیریت بحران در عرصه عمل با توجه به اصول حاکم بر شیوه‌ی مدیریتی خود در کنترل بحران‌های پیش رو، من جمله بحران جنگ تحمیلی پرداختند.

در سال‌های اولیه استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با توجه به اینکه از انقلاب مقدس ما چند سالی بیش نگذشته بود و هنوز نهال جوان انقلاب ما به درختی تنومند تبدیل نشده بود، مورد هجوم طوفان‌های بنیان برافکن قرار گرفت و می‌رفت که برای همیشه از ریشه کنده شود که به خواست خداوند متعال این امر محقق نشد و با عنایت خداوند و با کمک رهبری مدبرانه حضرت امام خمینی (ره) این نهال مقدس نه تنها از بین نرفت بلکه روز به روز رشد کرد و از ثمرات آن ملت عزیزمان بهرمنند شدند.

یکی از این طوفان‌های بنیان برافکن، بحران بزرگ جنگ تحمیلی می‌باشد که توسط استکبار و متحدانش بر علیه کشور ما طراحی و اجرا شد، و به دنبال آن امام (ره) با نگاه تیز بین و تدابیر هوشمندانه خود توانست به خوبی این بحران بزرگ را مدیریت و کنترل کند.

در مورد اهمیت جنگ باید اشاره شود که زمان ۸ ساله آن نشان از عظمت و اهمیت این جنگ داشته و از سوی دیگر «بحران جنگ» نقش مهمی در سیاست داخلی کشور ایفا کرده که مهمترین نمونه‌ی آن موضوع بازسازی و ضرورت آن و مسائل و مشکلات اقتصادی- اجتماعی دهه‌های بعدی انقلاب است. در حوزه

سیاست خارجی نیز، رابطه با غرب، رابطه با اعراب، تحریم‌های بین‌المللی و... همه به نوعی از جنگ هشت ساله ایران و عراق ریشه می‌گیرد. بدین ترتیب محقق در این مقاله در پی پاسخگویی به این پرسش می‌باشد که اصول حاکم بر شیوه‌ی مدیریتی امام خمینی(ره) در کنترل بحران ناشی از جنگ تحمیلی چه مواردی است؟

## مفاهیم و ادبیات

### بحران

به تغییرات زیاد در مدت کوتاه که جامعه توان تحمل آن را ندارد «بحران» گفته می‌شود. به عبارت دیگر، به شرایطی اطلاق می‌شود که حادثه طبیعی یا انسان ساخت رخ داده و اثرات آن در جامعه به حدی شدید باشد که لازم است با حسابگری خاص و استثنایی به آن پاسخ داد. در طرح جامع امداد و نجات مصوب سال ۱۳۸۲ هیئت محترم دولت، «بحران» به صورت ذیل تعریف شده است:

«حوادثی که در اثر رخدادها و عملکردهای طبیعی و انسانی بطور ناگهانی به وجود می‌آید، مشقت و سختی را به یک مجموعه یا جامعه انسانی تحمیل می‌کند و برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اضطراری، فوری و فوق‌العاده دارد.» (پوری‌رحیم، ۱۳۹۱: ۳).

### مدیریت

مدیریت فراگرد به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی بر مبنای یک نظام ارزشی پذیرفته شده است که از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین شده صورت می‌گیرد (رضائیان، ۱۳۸۰: ۱۹).

## مدیریت جامع بحران

- مدیریت جامع بحران عبارت است از اقدامات سیستمیک و هدفمند که برای:
- اداره انواع مختلف تهدیدات (طبیعی، تکنولوژیک، جنگی و تروریستی)،
  - و با در نظر گرفتن همه ابعاد تهدیدات (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی)،
  - در همه فازهای یک بحران (پیشگیری، کاهش مخاطرات، آمادگی، مقابله، بازتوانی، بازسازی)
  - با توجه جدی به چرخه حیاتی حاکمیت (فلسفه و ایدئولوژی حاکم، دکترین و اصول، سیاست‌ها، آمایش سرزمین، راهبردها، پروژه‌ها)
  - و با هماهنگی کامل همه سازمان‌های دخیل انجام می‌شود. (پوری‌رحیم، ۱۳۹۱: ۸)

## آغاز جنگ و زمینه‌های تهاجم

جنگ ایران و عراق با مشخصه طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین درگیری نظامی در تاریخ معاصر منطقه خاورمیانه که دو قدرت جهانی و هم‌پیمانانشان در دوران جنگ سرد در حمایت از یک طرف جنگ اتفاق نظر داشته‌اند و مهمتر از همه عدم حل و فصل نهایی آن با برقراری صلح میان دو کشور ایران و عراق و بسیاری مسائل دیگر، سبب شده است علت، نحوه و نتایج جنگ تا سالهای مدید همچنان مورد بحث و بررسی قرار گیرد. محققین غربی عموماً بر این باور هستند که وقوع انقلاب اسلامی و آثار و نتایج آن بیشترین تأثیر را در وقوع جنگ داشته است (درودیان، ۱۳۷۵: ۴۹). بدین معنا که با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه، بنای استراتژی آمریکا که بر دو ستون ایران و عربستان سعودی پی ریزی شده بود، فرو ریخت و این مسئله مناسبات میان دو کشور ایران و عراق را دستخوش تغییر و تحول کرد.

بدین ترتیب که موازنه نسبی قوا که بین ایران و عراق حاکم بود، تغییر کرد و با پیدایش خلاء قدرت در منطقه، موج اسلامی می‌توانست ثبات منطقه را مورد تهدید جدی قرار دهد. در نتیجه اعاده نظم پیشین، لازمی تأمین منافع آمریکا و غرب در منطقه بود. در واقع در غرب جنگ ایران و عراق از زاویه «تجاوز و دفاع» که بیان‌کننده واقعیات جنگ و مبین دیدگاه و نظریات ایران می‌باشد، مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و بیشتر وضعیتی که منجر به وقوع جنگ شد، مورد نظر می‌باشد.

«جیمز بیل» یکی از کارشناسان مسائل منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در مورد دلیل واقعی جنگ در کتاب خود می‌نویسد:

«دلیل واقعی جنگ درگیری سیاسی برای دست‌یافتن به برتری و سلطه‌یافتن بر خلیج فارس بود. در این روند عراق امیدوار بود انقلاب ایران را در نطفه خفه کند و نابود سازد که این برای کشورهای منطقه نظیر عربستان سعودی و شیخ‌نشینهای خلیج فارس، هدف چندان ناخوشایندی نبود» (جیمز بیل، ۱۳۷۱: ۴۸۵).

در نهمین کنگره حزب بعث، که برای نخستین بار مباحث آن در مورد جنگ ایران و عراق منتشر شد، تاکید می‌شود که «در برابر رهبران عراق تنها اختیار یک راه وجود داشت یا مقاومت و جلوگیری از تجاوزات دشمن و یا اینکه تسلیم شدن به برنامه‌های امام خمینی» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲/۲/۲۴). همچنین «مجید خدوری»، عراقی الاصل مقیم آمریکا، در کتاب خود، در توجیه علل تجاوز عراق به ایران می‌نویسد: «عراق در موقعیتی قرار داشت که ناگزیر شد برای دفاع از خود دست به اقدام بزند» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۲/۱۱: ۷). در هر صورت، وجود اختلاف مرزی و ارضی میان ایران و عراق، که با انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر حل و فصل شده بود، و حتی وقوع تنش مجدد میان دو کشور، که مبانی و راه‌حلهای رفع اختلافات در قرارداد الجزایر تعیین شده بود، به تنهایی نمی‌توانست انگیزه و علت اصلی تجاوز عراق به ایران باشد، زیرا پیش از این، دو

کشور ایران و عراق در اوضاع بسیار حادث‌تری قرار داشته‌اند که هرگز به یک جنگ تمام عیار متوسل نشده‌اند. لذا بدیهی است که علل اصلی این یورش به ایران تنها اختلافات کوچک مرزی نیست؛ که این مسئله در سخنان سران عراق نیز به وضوح قابل مشاهده است. به طوری که «طارق عزیز» نخست وزیر وقت عراق اعلام کرد: «وجود پنج ایران کوچکتر بهتر از وجود یک ایران واحد خواهد بود ... ما از شورش ملت‌های ایران پشتیبانی خواهیم کرد و همه سعی خود را متوجه تجزیه ایران خواهیم نمود» (جوادی‌پور، ۱۳۷۳: ۵۱-۵۲).

فراز و نشیب‌های سیاست داخلی و خارجی کشور در سال‌های دفاع مقدس، همواره در ارتباط صریح و کامل با مسئله‌ی بحران جنگ قرار داشت. این ارتباط تنگاتنگ نه تنها در سطح سیاست‌ها بلکه در سطح سیاست‌گذاران نیز قابل مشاهده بود. نظارت کامل رهبر انقلاب بر مسائل جنگ، حضور و دیدار رئیس‌جمهور و نخست وزیر وقت از جبهه‌ها و همکاری تمامی ارکان اقتصادی کشور برای تجهیز و تقویت جبهه‌ها از مواردی است که در آن شاهد رابطه‌ای گسترده میان تمامی آحاد جامعه و ارگان‌های سیاسی کشور با پدیده‌ی بحران جنگ هستیم.

از سوی دیگر جریان سیاسی و فرایند تصمیم‌گیری در جوامع انقلابی جوان منبعث از رهبران ارزشی و کاریزما بوده و تحلیل سیاست‌های چنین کشورهایی مستلزم توجه به سطح تحلیل رهبران مردمی می‌باشد. در نتیجه برای تحلیل رفتار ایران در بحران جنگ هشت ساله‌ی میان ایران و عراق نیز ضروری است تا به تصمیمات امام خمینی (ره) و استراتژی‌های مدیریتی ایشان و اصول حاکم بر این استراتژی در کنترل این بحران پرداخت که این موضوع در قسمت‌های آتی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

## مدیریت بحران امام خمینی (ره) در جنگ تحمیلی

### • نقش ویژگی‌های فردی رهبران در سیاست‌سازی

تحولات سیاسی و بین‌المللی تحت تأثیر پدیده‌های متنوع و چندگانه شکل می‌گیرد. هیچ تحلیلگر منصفی وجود ندارد که شکل‌گیری و وقوع هر بحرانی را با یک متغیر توضیح دهد؛ اما در میان متغیرهای دخیل در وقوع هر پدیده یا رویدادی، صرفاً یک متغیر مستقل اصلی و تعیین‌کننده وجود خواهد داشت. بقیه متغیرهای مستقل، دارای نقش و جایگاه محدودتری می‌باشند.

در شکل‌گیری بحران‌هایی مانند انقلاب، کودتا، جنگ و... می‌توان به متغیرهای اجتماعی، سازمانی، بوروکراتیک، نظام بین‌الملل و شخصیتی رهبران اشاره داشت. در تبیین نقش شخصیت، «کرین بریتون» در کتاب «کالبد شکافی چهار انقلاب» بر این نکته تأکید دارد که رهبران تمامی انقلابات بررسی شده (چین، روسیه، امریکا و انگلستان) از جسارت و پرخاشگری لازم علیه رژیم پیشین برخوردار بوده‌اند. این رهبران خود را به لحاظ اخلاقی برتر از زمامداران و مجریان حاکم می‌دانستند (بریتون، ۱۳۷۶، فصل اول). «ماروین زونیس» نیز در کتاب «شکست شاهانه»، تحولات اجتماعی ایران را براساس شخصیت‌شاه و چگونگی اتکای وی به همکاران، دوستان و خویشاوندانش مورد بررسی قرار می‌دهد. وی ضعف شخصیت، ناپایداری در تصمیم‌گیری و دوگانگی رفتاری را به عنوان اصلی‌ترین عوامل سقوط شاه ذکر می‌کند (زونیس، ۱۳۷۰: مقدمه). شخصیت‌های سیاسی علاوه بر مؤلفه‌های فردی، از متغیرهای دیگری نیز بهره می‌گیرند. ارزشهای محیطی، ایستارها، باورها و همچنین ایدئولوژی‌های سیاسی، در شکل‌گیری شخصیتی رهبران سیاسی برجسته از جمله امام خمینی (ره)، که تأثیر برجای می‌گذارند. چنین ویژگی‌هایی، فرد را آماده اتخاذ برخی شیوه‌ها در شرایط معین می‌نماید. اعتقاد بر این است که با توجه به نوع واکنش بازیگران، می‌توان مؤلفه‌ها و ویژگی‌های



شخصیتی آنان را درک نمود. برخی از این رهبران سیاسی دارای ویژگی‌هایی، از جمله: تساهل، عدم تساهل، زودکنش، دیرکنش، تحکم‌کننده، کمتر تحکم‌کننده، بهره‌گیری از سیاست‌های سرسختانه، درون‌گر، برون‌گر می‌باشند. با توجه به مطالعات انجام شده، بسیاری از تحلیلگران سیاست‌خارجی، به این جمع‌بندی رسیده‌اند که «هیتلر» و «صدام حسین» دارای رفتارهای آنی بدون تامل می‌باشند. این گونه رفتار دارای نتایج متضادی است. یا موفقیت‌های شگفت‌انگیز را به وجود می‌آورد و یا اینکه شکست‌های نابودکننده را فراهم می‌آورد. «معمر قذافی» دارای شخصیتی ماجراجو و خودبین می‌باشد و «استالین» دارای شخصیت قدرت طلب همراه با سوءظن بوده است. «فیدل کاسترو» دارای شخصیت ثابت قدم می‌باشد. «امام خمینی (ره)» را نیز دارای مؤلفه‌های شخصیتی ایدئولوژیک می‌دانند که از سیاست‌های اسلامی سرسختانه حمایت کرده است.

#### • ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری امام خمینی (ره)

تمامی کسانی که در سال‌های قبل از تبعید امام خمینی (ره) به نجف با ایشان ارتباط داشته‌اند، بر این امر تأکید دارند که ایشان دارای ذهنی پویا، نگرشی منسجم و روحیه‌ای سازش‌ناپذیر بوده‌اند.

اگر ویژگی‌های فردی و شخصیتی که اداره ساواک در مورد امام خمینی (ره) تهیه کرده را مرور نماییم، می‌توانیم مؤلفه‌هایی از جمله: مجتهد مسلم، مدرس درجه اول حوزه علمیه، متین، کم‌حرف، بی‌باک، شجاع، آشنا به علوم جدید، اهل سیاست، منتقد نسبت به سلسله پهلوی و اهل مبارزه را نام برد. طبیعی است که اگر فردی دارای ویژگی‌های فراگیر و چند جانبه یاد شده باشد، زمینه‌های اولیه برای مبارزه سیاسی را خواهد داشت. از سوی دیگر، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که بستر اولیه و معیارهای رفتاری جهت مبارزه سیاسی ایشان، از درون مبانی دینی و ایدئولوژیک منشا می‌گیرد. این مبانی، همواره ذهن امام خمینی (ره) را به خود

مشغول داشته و بسیاری از اقدامات و فعالیت‌های ایشان، با همین معیارهای دینی مستند می‌شد. باورهای امام بر این امر قرار داشت که جامعه ایران، آمادگی پذیرش هنجارهای دینی را دارا می‌باشد، در حالی که نسبت به مقامات حکومتی بی‌اعتماد است. در بسیاری از سخنرانی‌های امام (ره) می‌توان به چنین ذهنیتی وقوف داشت. ایشان نه تنها عالمان دین را شایسته‌تر از مقامات اجرایی حکومت می‌دانست، بلکه به این دلیل که علمای دینی با جامعه دینی وابستگی متقابل دارند، آنان را برای حکومت شایسته‌ترین گروه تلقی می‌کرد. کتاب «کشف‌الاسرار» و «ولایت فقیه» به عنوان متون مستند و کلاسیک اندیشه امام (ره) در مورد دولت و حکومت در ایران می‌باشد. در این دو کتاب، از ضرورت ایجاد حکومت اسلامی بحث گردیده است. چنین نگرشی به منزله آن است که در دیدگاه امام (ره)، آنچه که مبنای دینی نداشته باشد، مورد قبول خداوند و مردم قرار نخواهد گرفت. واژه‌هایی همانند: قانون اسلام، قانون اساسی، ساحت مقدس قرآن کریم، نقش علما در تصویب قوانین، در عبارتهای تهییج کننده ایشان جهت کاهش مشروعیت اقدامات دولت و رژیم شاه به کار گرفته می‌شد که بسیای از علما و شاگردان ایشان در خاطرات سیاسی خود، بر این امر صحنه گذاشته‌اند.

مطالعه تاریخ سیاسی ایران، نشان می‌دهد که سلطه خارجی به عنوان عامل بازدارنده توسعه سیاسی کشورمان محسوب می‌گردد. این امر در طی دو قرن اخیر شتاب و گسترش بیشتری پیدا کرده است. مداخلات روسیه، انگلستان، فرانسه، ایالات متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی، به عنوان عرصه‌های سیاه اما واقعی تاریخ ایران می‌باشد. این مداخلات، ذهنیت بدبینانه‌ای را در افکار عمومی و فرهنگ سیاسی ایران بر جای گذاشته است. روشنفکران ملی‌گرای ایرانی به همراه روحانیون آگاه، نسبت به چنین سرنوشت دردناکی اظهار تأسف می‌کردند. از اینکه بیگانگان بخشی از سرنوشت سیاسی ایران را تحت تأثیر خود قرار داده، بیمناک و متاثر بودند.

به همین دلیل، در مقاطعی از دورانه‌های تاریخی ایران، بویژه در شرایطی که فشار و تهاجم خارجی علیه ایرانیان شدیدتر بود، زمینه همکاری‌های فراگیر علیه سلطه خارجی، ابعاد فراگیر و پردامنه‌ای پیدا می‌کرد، جنبش تنباکو از جمله مقاطعی محسوب می‌گردد که چنین روندی با ابتکار روحانیون و همکاری سایر اقشار و گروه‌های اجتماعی پدیدار شد.

از این مقطع زمانی به بعد، روحانیون دریافتند که از توان لازم برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی برخوردارند. این امر بویژه در دورانهایی که مبارزه علیه عامل خارجی انجام می‌گرفت، از نتایج و اجماع گسترده‌تری برخوردار می‌شد. مؤلفه‌های مذهب شیعه و همچنین فضایی که در جامعه ایران نسبت به مظلومیت امام حسین (ع) وجود داشت، عامل تقویت‌کننده رفتار سیاسی روحانیون می‌گردید. به این ترتیب، ایدئولوژی، فرهنگی سیاسی و زمینه‌های تاریخی ایران، شرایطی را فراهم می‌آورد که رهبران مذهبی و روحانیون عالی رتبه بتوانند مردم را بسیج نموده و به این ترتیب بر حوادث و رویدادهای سیاسی جامعه تأثیر بر جای گذارند.

لذا هدف امام (ره) نیز از انجام مبارزات سیاسی در داخل، حفظ و تحقق احکام اسلام بوده است. برای نیل به این امر، انجام مبارزات استقلال‌خواهانه، بیگانه‌ستیز و آزادی‌خواهانه به عنوان ابزار و روندی محسوب می‌گردید که از یک سو زمینه را برای تحقق شرایط محیطی برای حفظ احکام دینی و تشکیل حکومت اسلامی فراهم می‌گرداند و از سوی دیگر، واکنشی جدی و فراگیر را علیه دولتهایی فراهم می‌آورد که از مشروعیت فراگیر داخلی برخوردار نبودند.

بدین ترتیب با پایه‌گذاری نهال مقدس اسلام ناب محمدی (ص) در کشور ایران در سال ۱۳۵۷، کشوری مستقل از شرق و غرب توسط امام (ره) و یارانش بنیان گذاری شد اما هنوز این نهال مقدس به اندازه کافی رشد و بارور نشده بود که مورد شدیدترین طوفان‌های سهمناک قرار گرفت، که با توجه به تدابیر امام

خمینی(ره) این نهال مقدس بزرگ شد و توانست از همه‌ی این بلاها و حوادث جان سالم به در ببرد، یکی از این بلاها جنگ تحمیلی بود که با شیوه‌ی مدیریتی عالی امام خمینی(ره)، این بحران عظیم نیز به نحو احسن کنترل گردید، در ادامه به شیوه‌ی مدیریتی امام خمینی(ره) در کنترل بحران جنگ تحمیلی پرداخته می‌شود.

#### ● شیوه‌ی مدیریتی امام خمینی(ره) در کنترل بحران جنگ تحمیلی

هر کشوری به صورت بالقوه و بالفعل با مسائل و بحران‌های گوناگونی مواجه است که باید برای حل آن بر اساس الگویی منسجم و روشمند اقدام کرد. جنگ نیز از مهم‌ترین بحران‌های موجود در مقابل هر نظامی است. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز بر همین اساس بحرانی عظیم بود که باید بر اساس حرکتی عقلایی و روشمند با آن برخورد می‌شد. لذا باید بر اساس مدل‌های حل مسئله به شیوه‌ی مدیریتی امام(ره) می‌پردازیم. لذا شیوه‌ی مدیریتی امام(ره) برای کنترل بحران جنگ در چهار مرحله مورد مطالعه قرار می‌گیرد: اول، مرحله‌ی دشمن‌شناسی است که در آن دشمنان ایران در بحران جنگ تحمیلی یعنی عراق، امریکا و استکبار از دید امام(ره) مطالعه می‌شود؛ در مرحله‌ی دوم شناسایی مسئله و ریشه‌های بحران جنگ تحمیلی از دید امام(ره) مطالعه می‌شود که شامل مسئله‌ی ضدیت صدام با اسلام، تفرقه میان مسلمین و تسلط ابر قدرت‌ها بر صدام می‌شود؛ پس از این مرحله، ابعاد حقوقی و راه‌حل بحران از دید امام(ره) مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ و در نهایت نحوه‌ی اجرای راه‌حل در صحنه بحران جنگ تحمیلی توسط امام(ره) که همان دفاع از کشور و تنبیه متجاوز است، مورد مطالعه و کنکاش قرار می‌گیرد.

#### ۱- دشمن‌شناسی در دیدگاه امام خمینی(ره)

در این بخش به نوع نگاه امام به دشمنان ایران در طول جنگ اشاره می‌شود که شامل موارد زیر است.

رهبر انقلاب در این ارتباط با نگاهی ژرف در دو سطح به تحلیل ماهیت و موقعیت ابرقدرت‌ها پرداخته است. دوران جنگ که تماماً در زمان نظام دوقطبی رخ داده است به شدت متأثر از این نظام بوده است. به همین دلیل ضرورت شناخت بافت قدرت در نظام بین‌الملل بسیار بالا بوده است که امام(ره) به خوبی از عهده‌ی این امر بر آمده بود. بر این اساس نظرات ایشان در دو حوزه‌ی اساسی مطرح شده است: ابرقدرت‌ها و مستکبران جهانی.

در بخش اول ایشان بیاناتشان را با نگاهی هستی‌شناسانه آغاز می‌کند. کشف ماهیت اقتصادی سیاسی جایگاه ابرقدرت‌ها توسط امام خمینی(ره) در سال ۵۹ و در نظرات این رهبر فرزانه پیداست که فرمودند: «ابرقدرتها آن لحظه‌ای که منافعشان اقتضا کند شما و قدیمی‌ترین وفاداران و دوستان خود را قربانی می‌کنند و پیش آنان دوستی و دشمنی و نوکری و صداقت ارزش و مفهومی ندارد.» (سخنان امام، بر گرفته از سایت امام خمینی(ره) ۵۹/۲/۲) و در ادامه‌ی همین بیانات به زیبایی و با تکیه بر منفعت محوری ایالات متحده، بی‌وفایی آنها را به نظام سابق اعلام نمودند. امام(ره) در سطح دوم تحلیلهای خود از نگاه هستی‌شناسانه فراتر رفتند. ایشان با بصیرتی والا توانستند تا به هدف غایی ابرقدرت‌های وقت آگاهی یابند. این اهداف در دو سطح مد نظر بنیانگذار انقلاب بود. ابتدا هدف نهایی و مفهومی که در تسلط بر روح و روان انسان‌ها متمرکز بود. این هدف در این جمله‌ی امام به وضوح قابل مشاهده است: «ابرقدرتها می‌خواهند انسانیت انسانها را تحت سلطه قرار دهند.» (سخنان امام، بر گرفته از سایت امام خمینی(ره) ۶۰/۸/۶)

این موضوع با وضوح بیشتر در جلد نوزدهم صحیفه‌ی نور و با تشبیه ایالات متحده به یک مار زخم خورده پس از انقلاب اسلامی و در آستانه‌ی جنگ مطرح گشته است؛ «می‌دانید که قدرتمندان شرق و غرب خصوصاً آمریکای بازیگر، مارهای زخم برداشته از جمهوری اسلامی هستند که از اول انقلاب به هر حيله

ممکن دست زدند. از حمله نظامی گرفته تا طرح یک کودتا از ترور شخصیت‌ها تا به آتش کشیدن مزرعه‌ها و مغازه‌ها و از انفجارات کور در کوچه‌ها و خیابانها تا دزدی و تجاوز و از همه بدتر و بالاتر تبلیغات دامنه دار از اول انقلاب تا امروز است، که برای تضعیف روحیه ملت مقاوم و رزمندگان عزیز به هر نوع دروغ و تهمت متسبب می‌شوند، ولی - بحمدالله - نه تنها هیچ یک از تیرهای آنان به هدف نرسید که نتیجه معکوس داد. اکنون از چنین مارهای زخم‌خورده‌ای نباید غافل بود.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۹، ص ۲۲۲)

در مورد ارتباط آرای امام(ره) پیرامون ابرقدرت‌ها و جنگ تحمیلی اشاره به نکاتی ضروری است تا شاید بر این اساس دلیل اشاره به این بخش مطرح گردد. در طول نیم قرن جنگ سرد در نظام دو قطبی، جنگ‌های بسیاری رخ داده است؛ اما تمامی این جنگ‌ها بر اساس رقابت دو قطب شکل می‌گرفت. جنگ کره، جنگ ویتنام، هجوم شوروی به افغانستان و... همواره نمونه‌هایی از حضور ابرقدرت‌ها و دخالت آنها در منازعات نظامی به شمار می‌آید. صف آرای ایالات متحده و شوروی در این ۵۰ سال باعث شده بود تا استقلال تمامی دول جهان مخدوش شود. در معدود مبارزات استقلال طلبی نیز، دست دو دولت مذکور کاملاً مشهود است.

اما جنگ هشت ساله‌ی تحمیلی دارای شرایط کاملاً منحصر به فردی بود. نظام دو قطبی و ترس ابرقدرت‌ها از گرایش دولت نو پای جمهوری اسلامی به رقیب باعث شده بود تا آنها با حساسیت بالایی به این جنگ و مسائل مربوطه بپردازند. قراردادهای نظامی عراق با شوروی، ماجرای «مک فارلین» و در اختیار قرار دادن اطلاعات حاصل از جاسوسی هواپیماهای آواکس آمریکا به ارتش صدام مواردی از حضور دو ابر قدرت در صحنه‌ی نبرد بوده است؛ اما با توجه به سلطه‌گریزی و استکبارستیزی از شرق و غرب، سیاستمداران کشورمان هر دو جریان را نادیده

گرفته و کاملاً مستقل به دفاع از خاک کشور پرداختند. از این روست که ما شاهد رابطه‌ای عمیق میان آرای رهبر انقلاب پیرامون ابرقدرت‌ها و دفاع مقدس خواهیم بود. چرا که طبیعتاً استکبار ستیزی امام (ره) به سیاست‌های کلان کشور، بویژه جنگ نیز تسری می‌یافت.

#### - اسرائیل به مثابه دشمن

جامعیت نگاه امام (ره) باعث شد تا ایشان به درستی به حوزه‌ی تهاجم اسرائیل که همانا خاورمیانه در مرحله‌ی اول و جهان اسلام در مرحله‌ی دوم است، اذعان نمایند. امام در این ارتباط اعلام داشتند که هدف اسرائیل تنها جهان اعراب نیست. این در حالیست که در همان سال جنگ اعراب و اسرائیل موجب شد تا بسیاری با تقلیل این جنگ از تحلیل نهایی آن غافل شوند. امام نقش استعماری مسئله‌ی اسرائیل را چنین به تصویر میکشند؛ «سران کشورهای اسلامی باید توجه داشته باشند که این جرثومه فساد را که در قلب کشورهای اسلامی گماشته‌اند تنها برای سرکوبی ملت عرب نمی‌باشد بلکه خطر و ضرر آن متوجه همه خاورمیانه است. نقشه، استیلا و سیطره صهیونیسم بر دنیای اسلام و استعمار بیشتر سرزمین‌های زرخیز و منابع سرشار کشورهای اسلامی می‌باشد و فقط با فداکاری، پایداری و اتحاد دولت‌های اسلامی می‌توان از شر این کابوس سیاه استعمار رهایی یافت و اگر دولتی در این امر حیاتی که برای اسلام پیش آمده کوتاهی کرد بر دیگر دولت‌های اسلامی لازم است که با توبیخ و تهدید و قطع روابط او را وادار به همراهی کنند. دولت‌های ممالک نفت خیز اسلامی لازم است از نفت و دیگر امکاناتی که در اختیار دارند به عنوان حربه علیه اسرائیل و استعمارگران استفاده کرده از فروش نفت به آن دولت‌هایی که به اسرائیل کمک می‌کنند خودداری ورزند.» (صحیفه نور، ج ۱: ۹۲). اما علت عدم توانمندی مسلمین در حذف اسرائیل چیست؟ شنیدن پاسخ این سوال از زبان بنیانگذار انقلاب نه تنها شیرین،

بلکه آموزنده خواهد بود. «امروز قبله اول مسلمین، به دست اسرائیل این غده سرطانی خاورمیانه افتاده است. امروز برادران فلسطینی و لبنانی عزیز ما را با تمام قدرت می‌کوبد و به خاک و خون می‌کشد. امروز اسرائیل با تمام وسایل شیطانی تفرقه افکنی می‌کند. بر هر مسلمانی لازم است که خود را علیه اسرائیل مجهز کند. وقتی یک میلیارد جمعیت فریاد کرد اسرائیل نمی‌تواند، از همان فریادش می‌ترسد. اگر همه مسلمین که در دنیا هستند الان هستند که قریب یک میلیارد هستند اگر در روز قدس همه بیرون بیایند از خانه، فریاد بکنند مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل و مرگ بر شوروی، همین قول مرگ بر شوروی برای آنها مرگ می‌آورد. جمعیتشان یک میلیارد، ذخایرشان این همه زیاد که همه دولت‌ها محتاج به ذخایر شما هستند معذالک شما را وادار می‌کنند با هم مختلف باشید اختلاف کنید و ذخایرتان را ما ببریم و هیچ کدام صحبت نکنید (صحیفه نور، ج ۱۲: ۲۷۶).

پس به بیان امام(ره)، دیدیم که شرط وحدت میان مسلمین جهان، همان شرط لازم برای موفقیت در مقابل این جرثومه‌ی شیطانی و استکباری است. «برای من یک مطلب به شکل معماست و آن این است که همه دول اسلامی و ملت‌های اسلام می‌دانند که درد چیست، می‌دانند که دست‌های اجانب در بین است که اینها را متفرق از هم بکند، می‌بینند که با این تفرقه‌ها ضعف و نابودی نصیب آنها می‌شود، می‌بینند که دولت پوشالی اسرائیل در مقابل اسرائیل ایستاده که اگر مسلمین مجتمع بودند هر کدام یک سطل آب به اسرائیل می‌ریختند او را سیل می‌برد، معذالک در مقابل او زبون هستند، معما اینست که با این که اینها را می‌دانند، چرا به علاج قطعی که آن اتحاد و اتفاق است روی نمی‌آورند؟ چرا توطئه‌هایی که استعمارگرها برای تضعیف آنها به کار می‌برند، آنها توطئه‌ها را خنثی نمی‌کنند؟ آیا این معما چه وقت باید حل شود؟ و پیش کی باید حل بشود؟ این توطئه‌ها را کی باید خنثی کند غیر از دولت‌های اسلام و ملت‌های مسلمین؟ این معمایی است که شما اگر جوابی



دارید و حل کردید، این معما را به ما هم تذکر بدهید» (صحیفه نور، ج ۸: ۲۳۶-۲۳۵).

#### - امریکای جنایتکار

نگاه سلطه‌ستیز امام امت درمقابله با سلطه‌طلبی‌های غربیان در برخورد با اسرائیل خلاصه نمی‌شود. بلکه با دقت بالا به ریشه‌ی این آفت که همانا امریکای جنایتکار است نیز اشاره می‌کند. رهبر انقلاب با اشاره به اهداف و امیال اقتصادی - سیاسی امریکا، ضرورت مبارزه با آنها را با بیان این جملات تبیین می‌کند: «مهمترین و درد آورترین مساله‌ای که ملت‌های اسلامی و غیر اسلامی کشورهای تحت سلطه با آن مواجه است موضوع آمریکاست. دولت آمریکا به عنوان قدرتمندترین کشورهای جهان برای بیشتر بلعیدن ذخایر مادی کشورهای تحت سلطه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند. آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است. آمریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید. او مردم مظلوم جهان را با تبلیغات وسیعش که به وسیله صهیونیسم بین الملل سازماندهی می‌گردد، استثمار می‌نماید. او با ایادی مرموز و خیانتکارش، چنان خون مردم بی پناه را می‌مکد که گویی در جهان هیچ کس جز او و اقمارش حق حیات ندارند. ایران که خواسته است از هر جهت با این شیطان بزرگ قطع رابطه کند، امروز گرفتار این جنگهای تحمیلی است. آمریکا عراق را وادار نموده است تا ما را با حصر تصادی از پای در آورد. مع الاصف اکثر کشورهای آسیایی هم با ما سرستیز برداشته. ملت‌های مسلمان باید بدانند که ایران کشوری است که رسماً با آمریکا می‌جنگد و شهدای ما، این جوانان و دلاوران ارتش و سپاه از ایران و اسلام عزیز در مقابل آمریکا دفاع می‌کنند» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۸۴).

خطری که همواره تفرقه را میان مسلمانان افزایش می‌دهد در آرای امام(ره)، این

چنین بیان می‌شود: «مسلمانان حاضر در موافق کریمه در هر ملت و مذهب که هستند باید به خوبی بدانند که دشمن اصلی اسلام و قرآن کریم و پیامبر عظیم‌الشان(ص)، ابرقدرت‌ها خصوصاً آمریکا و ولیده فاسدش اسرائیل است که چشم طمع به کشورهای اسلامی دوخته و برای چپاول مخازن عظیم زیر زمینی این کشورها از هیچ جنایت و توطئه‌ای دست بردار نیستند و رمز موفقیت آنان در این توطئه شیطانی، تفرقه انداختن بین مسلمانان به هر شکل که بتوانند می‌باشد. در مراسم حج ممکن است اشخاصی از قبیل ملاهای وابسته به خود را وادار کنند که اختلاف بین شیعه و سنی ایجاد کنند و آن قدر به این پدیده شیطانی دامن زنند که بعضی ساده دلان باور کنند و موجب تفرقه و فساد شوند. برادران و خواهران از دو فرقه باید هشیار باشند و بدانند که این کوردلان جیره خوار با اسم اسلام و قرآن مجید و سنت پیامبر می‌خواهند اسلام و قرآن و سنت را از بین مسلمین برچینند، چرا که اسلام و کتاب و سنت را خار راه خود و مانع از چپاولگری شان می‌دانند، چرا که ایران با پیروی از همین کتاب و سنت بود که در مقابل آنان بپاخاست و انقلاب نمود و پیروز شد» (صحیفه نور، ج ۱۹: ۴۶).

اما برای مقابله با این رفتار شیطانی ابرقدرتها و امریکا که همواره به دنبال سلطه‌ی همه جانبه بر جوامع دیگر هستند، چه راهی را باید در پیش گرفت. گفتیم ریشه‌ی حرکت مستکبرین تفرقه میان مستضعفین است. پس تنها راه نجات نیز جلوگیری از همین تفرقه است. وحدت میان مستضعفان جهان باعث قدرت یافتن آنها خواهد شد و سپس این عظمت و قدرت در صورت آگاهی، دست هر گونه دخالتی را در آن جوامع کوتاه خواهد کرد. «مستضعفان جهان، چه آنها که زیر سلطه آمریکا و چه آنها که زیر سلطه سایر قدرتمندان هستند اگر بیدار نشوند و دست شان را به هم ندهند و قیام نکنند، سلطه‌های شیطانی رفع نخواهد شد و همه باید کوشش کنیم که وحدت بین مستضعفان در هر مسلک و مذهبی که باشند،

تحقق پیدا کند که اگر خدای ناخواسته سستی پیدا شود، این دو قطب مستکبر شرق و غرب مانند سرطان همه را به هلاکت خواهند رساند. ما عازم هستیم که تمام سلطه‌ها را نابود سازیم و شما هم کوشش کنید که ملت‌ها را با حق همراه کنید» (صحیفه نور، ج ۱۷: ۲۴۹).

#### - بیانات امام(ره) در مورد صدام

به تعبیر بسیاری مهم‌ترین و اصلی‌ترین دشمن ایران در طول جنگ شخص صدام بوده است. به نظر نگارنده صدام به عنوان رهبری نظامی و ابزاری در دست ابرقدرت‌ها بیرونی‌ترین دشمن ایران بود که دیگر دشمنانی که به آنها اشاره رفت در پس آن پنهان می‌شدند. امام(ره) نیز با شناسایی این فرد و رفتار جنون آمیزش، در مورد او چنین می‌فرماید: «اشخاصی امثال صدام را - که من از اول گفتم که این آدم، آن وقت هم که ما در نجف اشرف مشرف بودیم، آن را یک مرد خطرناکی معرفی می‌کردند و یک جنون عجیبی در این آدم هست که برای خودخواهی خودش حاضر است که تمام ملت‌های دنیا را به خاک و خون بکشد- اینها را وادار کرده‌اند که با ما مخالفت کنند و حمله کنند (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۶: ۲۵۱-۲۵۰). این حمله‌ای که صدام به ایران کرد، خوب، همه می‌دانید که برای این بود که سردار قادسیه بشود! و آن مسائل و این حمله‌ای که اسرائیل به لبنان در مقابل چشم همه‌ی مسلمانان منطقه کرد، همه می‌دانید که برای قدرت طلبی و جاه طلبی (بود)» (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۶: ۴۶۰).

«آنهايي که اساس اختلاف بين مسلمين را درست می‌کنند، خوب یکی‌اش هم از آن افراد، همین صدام است که اساس اختلاف است. دولت ایران با هیچ دولتی هیچ وقت جنگ نداشت و مخالفت نداشت، الا با آنهايي که بر ضدشان می‌خواهند کاری بکنند. این هجوم ابلهانه صدام به ایران اسباب این شد که دولت‌های منطقه بسیارشان با ایران؛ یعنی، با اسلام به مخالفت برخیزند. آنها هم کم کم خواهند

فهمید که صرفه در این نیست که با یک همچو ملتی که همه چیزش را در راه اسلام دارد فدا می‌کند، مخالفت کنند» (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۶: ۴۶۲).

- نظریات امام خمینی(ره) پیرامون حزب بعث

حزب بعث نیز به عنوان مهم‌ترین ابزار مشروعیت صدام و ابزار او برای رسیدن به مقاصد شوم خود در طول دفاع مقدس از دشمنان ما به شمار می‌آید که در این ارتباط از کلام امام(ره) می‌خوانیم: «حزب بعث عفلقی عراق حالا دیگر عابد و مسلمان شده‌اند، لکن عابد و مسلمانی که عبید زاکانی می‌گوید. اساس را اینها از بیخ قبول ندارند. اینها اسلام را منافی با مقاصد خودشان می‌دانند و منافی هم هست. مقاصد آنها این است که بزنند و بکوبند و مردم را تحت فشار قرار بدهند و غارت کنند و هر چه دارند بگیرند از آنها و برای خودشان در بانک‌های خارجی انبار کنند» (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۸: ۱۵۸).

«این عراق با همه‌ی چیزهایی که گفته می‌شود و آن همه هم طرفدار دارد و همه‌ی قدرت‌های فاسد هم طرفدارش هستند، باز قانون اساسی ندارد؛ یک جمعیتی هستند، یک حزبی هستند که این حزب آمدند و زمام امور کشور را به دستشان گرفتند و با زور و فشار و حبس و زجر و اینها دارند یک حکومت جابرانه می‌کنند و تا حالا که مدت چندین سال، بیست سال بیشتر است که اینها آمده‌اند، باز یک قانون اساسی ندارند. نمی‌تواند در آنجا یک رای گیری بکند. رای از کی بگیرد؟ ملت که با او موافق نیست، با سرنیزه باید ببرند مردم را دم صندوق‌ها» (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۵: ۱۱۳).

۲- شناسایی ریشه‌های بحران جنگ از دید امام خمینی(ره)

پس از تعریف دشمنان باید تعریفی از مشکلات موجود و مسائل پیش رو ارائه شود تا با شناخت مناسب از ریشه‌های مشکلات برای مواجهه با آنها اقدام نمود. در

این میان امام (ره) با اشاره به معضل تفرقه در میان مسلمین از یک سو، به اسلام ستیزی صدام و ابزار شدگی آن در دست ابر قدرت‌ها از سوی دیگر تکیه نموده و مشکل را به شرح زیر بیان می‌کند.

#### - معضل تفرقه در میان مسلمین

تفرقه در میان مسلمین هم در داخل کشور و هم در بین کشورهای اسلامی علل بسیاری از مشکلات و حوادث دنیای اسلام می‌باشد، لازم به ذکر است در بین کشورهای اسلامی این تفرقه و اختلاف و عدم وحدت باعث جولان استکبار و به فلاکت کشیده شدن کشورهای اسلامی شده است و در عرصه داخلی کشور نیز منافقین و مخالفین داخلی نظام علل بسیاری از شکست‌ها و مسائل ناگوار داخل کشور می‌باشند، در همین زمینه امام (ره) می‌فرماید:

«منافق‌ها هستند که بدتر از کفارند، آنی که مسلمان می‌گوید هستم و بر ضد اسلام عمل می‌کنند و می‌خواهد به ضد اسلام عمل بکند، آن است که در قرآن بیشتر از آنها تکذیب شده تا دیگران، سوره منافقین داریم، اما سوره کفار نداریم، سوره منافقین داریم که برای منافقین از اول شروع می‌کند اوصافشان را می‌گوید. اسلام همیشه گرفتار یک همچو جمعیت‌هایی بوده است.»

#### - اسلام ستیزی صدام

امام خمینی (ره) می‌فرماید: «ما امیدواریم که نابودی سرسپردگانی مثل سادات و صدام حسین به زودی انجام گیرد و ملت‌های شریف اسلامی به این انگل‌های خائن، آن کنند که ملت ما با محمدرضای خائن کرد؛ و به دنبال آن برای آزاد زیستن و به استقلال تمام رسیدن، قطع روابط با ابرقدرت‌ها خصوصا آمریکا نمایند. صدام حسین که همچون شاه مخلوع چهره‌ی قبیح غیر اسلامی و انسانی خود را نشان داده و به نابودی اسلام و حوزه‌ی مقدسه‌ی نجف کمر بسته و با مسلمانان

مظلوم برای کارتر، آن کند که مغول کردو با علمای اسلام خصوصا حضرت آیت الله آقای سید محمدباقر صدر، آن کند که رضاخان و محمدرضا پهلوی با علما و روحانیون و سایر طبقات کردند، باید بدانند که با اعمال ضد اسلامی، گور خودش و رژیم تحمیلی غیر انسانی و غیر قانونی بعث را با دست خود می‌کند» (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۲: ۲۳۳-۲۳۴).

#### - صدام ابزاری در دست ابرقدرت‌ها

امام خمینی (ره) می‌فرماید: «در زمان رضاخان مملکت از ما نبود، یک نوکری اینجا گذاشته بودند، مثل حالا که نوکری در عراق گذاشتند، یک نوکر هم در مصر دارند، یک نوکری گذاشته بودند و این نوکر جلاد همه چیز هم در دسترسش گذاشته بودند و او هم هر کاری می‌خواست انجام می‌داد» (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۲: ۴۳۶).

«صدام دیگر یک مرده‌ای است افتاده آنجا، این اهمیتی ندارد دیگر، لکن اینها دارند فساد می‌کنند. این یکی از فسادهای آنها بود که این را بازی اش دادند و احمقش کردند. حمله کرد به ایران و تجاوز کرد به ایران، حالا هم تویش مانده است و نمی‌داند چه بکند» (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۸: ۲۳۹).

#### ۳- ابعاد حقوقی و راه‌حل بحران از دید امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) در این مرحله پاسخ‌هایشان را در سه سطح مطرح می‌نماید. در آغاز با دعوت ملت ایران به اتحاد و با تکیه بر جایگاه مردم آنها را به رشادت در راه اسلام و ایران فرا می‌خواند؛ و در سطح دوم جهت کلام شان را به سوی ملت و ارتش عراق تغییر داده و با ارائه‌ی پیشنهادهای به آنها راه مصالحه و حذف صدام را به آنها گوشزد نمودند. سومین و آخرین بعد پاسخ به بحران بعد حقوقی آن است که در این قسمت باید با تکیه بر مسائل حقوقی به حفظ حقوقی ملت ایران

در پایان جنگ پرداخت. لذا امام امت به خوبی این بعد را در نظر داشته و در این زمینه پیش شرط‌هایی را برای صلح میان دو کشور و حالات متفاوت حل مسائل را بررسی نموده و مطرح می‌نمایند که در این قسمت به آنها نیز اشاره خواهد شد.

#### - دعوت ملت ایران به اتحاد و رشادت در راه اسلام و ایران

یکی از دستاورد بزرگ قیام حضرت امام خمینی (ره) که در واقع پیروزی نهضت اسلامی و تحکیم ارکان نظام را به دنبال داشت، جذب اقشار مختلف مردمی بود که با اعتقادی کامل و ایمانی خالص وارد مبارزات انقلابی شدند که با هدایت خداوند بزرگ و هدایت و راهبری حضرت امام (ره) دست استعمار و دخالت‌های بیگانگان در امور داخلی کشور را از بین بردند. مردم‌داری حضرت امام (ره) سبب شد تا در اولین مرحله شروع انقلاب به آگاه‌سازی مردم پردازند و موجی از مخالفتها و مبارزات اجتماعی را علیه دشمنان ایران اسلامی به راه بیندازند. این راهبرد امام امت آنچنان به ثمر نشست که تداوم انقلاب و نظام دینی را هم تضمین کرد. باید در نظر داشت حکومتداری و شیوه‌هایی که امام راحل برای ارج نهادن به حضور و نقش مردم اسلامی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بکار بردند دقیقاً در قالب مفاهیم و موازین اسلامی و دینی بوده‌اند.

بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی، رابطه حاکمیت دینی و مردم را بطور کلی فراتر از حد قالبها و چارچوبهای خشک قانونی و دموکراسی منحنط غربی می‌دانستند و این رابطه قومی را برگرفته از یک پیوند محکم دینی و عاطفی عنوان می‌نمودند. زیرا رهبران و حاکمان جامعه اسلامی تنها بر جسم افراد و مومنین حکومت نمی‌کنند، بلکه به جهت مسائل دینی و عقیدتی، روح و عقاید مردم را نیز در اختیار دارند که کلیه آحاد جامعه نسبت به این حاکمان احساس نطق روحی می‌کنند. انسانها در حکومت دینی به واسطه زر و زور از حکومت تبعیت نمی‌کنند، بلکه به سبب احساس مسئولیت شرعی و تقرب الهی، تکالیف یا وظایف خود را

نسبت به حکومت انجام می‌دهند. روشن است که حکومت و مردم در چنین حکومتی نسبت به همدیگر حقوق متقابلی دارند که در کلام و روایات سراسر نورانی اهل بیت (ع) بدان اشاره شده است که علی (ع) در خطبه ۳۴ به ابعاد مختلف حقوقی متقابل رهبر و مردم اشاره کرده و چنین فرمود: «ای مردم مرا بر شما و شما را بر من حقی است، حق شما بر من، آن که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تاراه و رسم زندگی را بدانید؛ و اما حق من بر شما این است که به من وفادار باشید و در آشکار و نهان خیرخواهی کنید. هرگاه شما را فراخواندم اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید.» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).

باید بر این نکته تاکید نمود که در حاکمیت دینی آنچه در راسمه امور قرار می‌گیرد ایجاد تفاهم در بین دولت و ملت است؛ یعنی نه دولت خود را از مردم جدا بداند و نه مردم اینگونه باشند و همه این حدود و وظایف نیز از سوی شرع مقدس تعیین شده است، امام علی (ع) فرمود: «علیکم بالاحسان الی العباد و العدل فی البلاد تامنوا عند قیام الاشهاد»، «بر شما باد احساس و خدمت به مردم و پیاده کردن عدالت در شهرها تا در روز قیامت راحت باشید.»

آموزه‌های دینی ما به واسطه اینکه همه جانبه نگر هستند. شاخصه‌ای را برای یک نظام قرار داده‌اند که در سایه آن سعادت، عزت و افتخار، رفاه و آزادی برآورده می‌شود و رضایت عمومی ایجاد می‌گردد. امام خمینی (ره) عاشق مردم بود و همیشه به فکر سعادت مردم بود. یکی از نزدیکان معظم له می‌گوید: علاقه امام به مردم، یک علاقه عادی نیست، یک عشق است... واقعاً امام برای مردم می‌سوزند و مانند یک پدر مهربان همیشه برای فرزندان پاک خود سعادت آرزو می‌کنند امام بارها در کنار تلویزیون که صحنه‌های دلخراش فقر و محرومیت نشان داده می‌شود گریه کرده‌اند (فرازهایی از ابعاد روحی، اخلاقی و عرفانی امام خمینی: ۳۷).



حضرت امام(ره) نیز با بیان اینکه حکومت اسلامی کاملترین شکل نظام‌های اجتماعی و سیاسی موجود در دنیاست و ثمره‌اش تحقق خاستها و رفع نیازهای همه افراد جامعه است، حکومت اسلامی را اینگونه معرفی می‌کند: «حکومتی که در آن جمیع اقشار ملت با یک چشم دیده می‌شوند... فقط کرامت در پناه تقوی و برتری به اخلاق فاضله و اعمال صالحه است» (صحیفه نور، ج ۵: ۲۳۳).

رهبر فقید انقلاب اسلامی آنچه را که سبب جدایی دولت و ملت است به طور مکرر معرفی می‌کردند که از آن جمله است حب جاه و مال از سوی دولتمردان که یک آفت بزرگ برای استحکام رابطه عاطفی مردم و دولت محسوب می‌شود. در اندیشه حضرت امام(ره) نسبت به جلب افکار عمومی، شیوه‌های پست عوام فریب غربی، هرگز جایگاهی نداشتند، بلکه آنچه تعیین کننده بود حضور آگاهانه و عقیده‌ی راسخ انسانهای مومن اعم از زن و مرد و پیر و جوان در سرنوشت کشور بود.

پس می‌بینیم که این جنگ و فرامین سیاسی و نظامی مسئولان آن تنها به دست سربازان رشید کشور عملیاتی شده و به اجرا در آمد. از سوی دیگر هدف اصلی جنگ نیز حفظ نظامی بود که حاصل خواست و اراده‌ی ملت است؛ و به بیان دیگر مردم مسلمان ایران با وحدت و حمیت بالای خود، دفاع از آرمان‌ها و کشورشان را ضروری دیده و با شعار شهادت طلبی به سمت جبهه‌ها سرازیر شدند. این جانفشانی‌ها به حدی ارجمند بود که مطالعه‌ی نظرات امام خمینی (ره) را در مورد مسئله‌ی ایران الزامی می‌نمود که در این بخش مطرح گردید.

#### - پیشنهاد به ملت و ارتش عراق جهت مصالحه و حذف صدام

حضرت امام(ره) که به خوبی ریشه‌ی استکباری رفتارهای صدام را شناخته بودند در همین ارتباط با ارتش صدام سخن گفته و آن‌ها را به راه آزادی و آزادگی رهنمون شده و خواستار شورش در مقابل صدام شدند؛ که این عمل حتی اگر چه

رخ نداد، اما باعث تشکیک در آرای نظامیان عراق شده و حقانیت ایران را به اثبات رسانید. امام(ره) می‌فرمایند: «و یک حرفی هم که با ارتش عراق دارم این است که ارتش عراق با کی جنگ می‌خواهد بکند؟ طرفدار کی هست و مخالف کی؟ طرفدار صدام است که اشتراکی است و کافر است؟! بر ضد کی؟ بر ضد اسلام؟! ارتش عراق باید بداند که این آدم (صدام) که حالا آمده است اسم علی بن ابی طالب - سلام الله علیه - را می‌آورد و اسم حسین بن علی - سلام الله علیه - را می‌آورد، این دشمن اینهاست؛ این شخص با اینها دشمن است، با اسلام اصلا دشمن است این. ارتش عراق باید بداند که با این جنگ، جنگ با اسلام است به هواداری از کفر و یک هم‌چو جنگی برخلاف رضای خداست و خدای تبارک و تعالی نخواهد بخشید بر آن کسانی که قیام کنند بر ضد اسلام به واسطه‌ی همراهی با کفر که هم خود صدام حسین - به حسب حکم شرعی - کافر است و هم این طرفدار کفار است، طرفدار کارتر است و به واسطه‌ی طرفداری از کارتر و گرفتن قوا از او، دارد به ایران حمله می‌کند و کارتر این نوکرهای خودش را مثل صدام حسین و مثل سادات و امثال اینها را وادار کرده است که به ایران حمله بکنند یا به ایران صدمه بزنند. ملت عراق و ملت مصر بدانند این معنا را که اگر - خدای نخواست - با ایران طرف بشوند و ارتش عراق با ایران طرف بشود، طرف شدن با اسلام است و ضرر زدن به اسلام ضرر زدن به پیغمبر اسلام است به طرفداری از کفر، به طرفداری از صدام، به طرفداری از کارتر» (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۳: ۲۲۵-۲۲۴).

«ارتش عراق باید همان طوری که در ارتش ایران فهمیدند که این (محمدرضا شاه) دارد جنگ می‌کند با اسلام، جنگ با نهضت اسلامی می‌کند، همان طور که اینها قیام کردند و ارتش هم ملحق شد به خود مردم و کلک شاه را کردند، ارتش عراق هم باید همین کار را بکند.»

«این جنگ با اسلام است. ارتش عراق حاضر است با اسلام جنگ کند؟ حاضر

است سرنیزه را به قرآن بزند؟ این سرنیزه به قرآن زدن است. باید، واجب است بر آنها، لازم است بر آنها، هم ملت عراق و هم ارتش عراق، ارتش عراق لازم است که پشت بکند به این حزب غیر اسلامی، پشت کند به این افراد غیر اسلامی که یک عدد کمی هستند؛ و همان طور که ارتش ایران متصل به مردم شد، متصل به ملت شد و کلک این نظام باطل را کند، شما هم همین طور» (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۲: ۲۴۷-۲۴۶).

«این جانب به عموم ارتش عراق نصیحت می‌کنم که گول حزب کافر بعث را نخورند و با برادران اسلامی خود جنگ نکنند؛ و متوجه باشند تا صدام کافر آنان را در خدمت آمریکا به برادرکشی اغوا نکند، برادران عراقی ام تا وقت نگذشته و عذاب الهی نازل نشده است به دامان اسلام پناهنده شوید که اسلام دین عفو و رحمت و اغماض است» (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۳: ۵۴۲).

#### - پیش‌شرط صلح از سوی امام امت در راستای حفظ حقوق ملت ایران

امام (ره) می‌فرمایند: «ما باید جانی را در دنیا رسوا کنیم و جرمی که کرده است از او بگیریم تا این امور لااقل، محدود بشود؛ اگر از بین نمی‌رود؛ لااقل، محدود بشود. این طور نشود که هر کسی افسار گسیخته بریزد شهرهای دیگران را از بین ببرد و اموال مردم را غارت کند و آتش بزند و بعد هم بگوید خوب، بسیار خوب، حالا دیگر صلح می‌کنیم! این صلح نیست. آن معنایش این است که نخیر، شما باید باج به ما بدهید» (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۶: ۳۲۲).

«ببینید که این مرد چی دارد می‌گوید. اول چی می‌گفت، حالا چه می‌گوید. می‌گوید: ما برای اثبات این که صلح طلبیم، صلح جو هستیم، همه لشکر خودمان را امر می‌کنیم که از خاک ایران تا ده روز دیگر بیرون بروند. اگر راست می‌گوید این مطلب را، بسیار خوب، این یکی از مطالبی که ما داشتیم، حاصل. ولی ما چند تا مطلب دیگر داریم باید حاصل بشود تا حاصل نشود ما در حال جنگ هستیم. یکی

این که این همه خساراتی که به ما وارد کردی که خودش نوشته، این را اقرار کرده که خساراتی که بر ایران وارد شد، قابل شمارش نیست، به این تعبیر؛ و از یک طرف هم می‌گوید که ما هزاران اسیر گرفتیم و نمی‌فهمد این را که فردا باید جواب این را بدهد که تو هزاران اسیر گرفتی بیا تحویل بده. ما که می‌گوییم هزاران اسیر گرفتیم، همه‌ی این اشخاصی که نویسنده‌ها و مخبرین که از خارج آمدند، بردیم نشانشان دادیم که بابا، اینها در این شهر، اینها هستند، در شهرهای دیگر هم آنجا، آنجا، آنجا. در تلویزیون هم نشان دادیم یک مقدارش را البته و ما می‌گوییم داریم این مقدار و هر وقت بخواهیم تحویل بدهیم، تحویل می‌دهیم؛ اما این آدمی که توجه به مسائل سیاسی ندارد، می‌گوید که خساراتی که به ایران وارد شده قابل شمار نیست، نمی‌شود ارزیابی کرد، فردا از تو می‌گیرند اینها را (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۶: ۳۵۵).

«ایران الان هم می‌گوید که صدام برود بیرون از اینجا و یک دستگاهی بین‌المللی بیاید و رسیدگی کند به جرم او و جنایات او. ما با دولت عراق، با ملت عراق جنگی نداشتیم، آنها به ما حمله آوردند؛ یعنی، دولت عراق حمله آورد، لکن تو دهنی خورد و بحمدالله در دنیا شکست خورد، شکستی که با موافقت اردن و مغرب و آمریکا نمی‌تواند شکست خودش را رفع کند» (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۶: ۴۰).

#### ۴- اجرای راه‌حل در صحنه بحران توسط امام خمینی(ره)

همانگونه که دیدیم، رهبر انقلاب با درایت و بر اساس تفکر منطقی خود، از شناخت دشمن آغاز نموده و سپس به شناسایی مسئله و ریشه‌های بحران جنگ پرداختند. پس از این مرحله راه حل را به ملت ایران و عراق پیشنهاد دادند؛ اما این پایان کار نبود. چرا که ملت ایران در این راه و در مسیر این جنگ تحمیلی به مدیریت و راهنمایی نیازمند بود که این امر باعث شد تا مدیریت این بحران مهم، یعنی دفاع مقدس نیز بر عهده‌ی امام قرار گرفت تا ایشان کشتی ملت و نظام

اسلامی ایران را به ساحل صلح راهنمایی نمایند. لذا در این قسمت فرایند مدیریت امام (ره) در طول این بحران مرور خواهد شد.

تجاوز عراق به ایران با این افق روشن صورت گرفت که به دلیل در هم ریختگی حاصل انقلاب، بی‌انگیزگی ارتش و اعدام سران آنو همچنین قطع ارسال سلاح‌های غربی به ایران، طی همان هفته‌های اول جمهوری اسلامی از پا در خواهد آمد. محیط و ساختار نظام بین‌الملل نیز به خاطر جلوگیری از تغییر توازن یا کنترل تحولات در قالب روابط ابر قدرت‌ها برای چنین امری نسبتاً مساعد به نظر می‌آمد. در چنین شرایط آشفته‌ی خارجی و داخلی بود که صدام با ارتش خود در جبهه‌های غرب و جنوب غربی به ایران حمله ور شد؛ اما این ملت بزرگ ایران بود که با رشادت به سمت جبهه‌ها سرازیر شدند و برنامه‌های کوتاه مدت صدام را با شکست مواجه کردند. نقش رهبر انقلاب در این امر بسیار منحصر به فرد بود. چرا که ایشان با فراخوان‌های متعدد توانستند تا آموزه‌ی شهادت‌طلبی را مجدداً در قلوب مردم جای دهند. ایشان با نامیدن جنگ به نام اسلام و کفر و اعلام لزوم بیرون راندن دشمن از سرزمین اسلامی ایران، مردم را از نظر روحی آماده می‌کردند (اردستانی، ۱۳۷۸: ۹۷). این حرکت سریع و ناگهانی داوطلبان به سوی جبهه‌ها، چند پیامد استراتژیک مهم داشت. اول اینکه حرکت سریع ارتش بعث را متوقف نموده و جنگ برق آسا را فرسایشی کرد، و دوم اینکه توقف در جبهه‌ها و حرکات متهورانه‌ی مردم، امکان بازسازی نظامی و سیاسی را در داخل کشور بالا برد. در نتیجه‌ی این دو نکته بود که سازمان نظامی عراق در سال اول متحمل شکست‌های بسیاری شد، به طوریکه در خرداد ۶۱ خرمشهر فتح شد.

امام خمینی (ره) در جمله‌ی معروف خود که «خرمشهر را خدا آزاد کرد» بار دیگر نقش ایمان و اراده‌ی مردم مسلمان را به رخ دشمنان کشید. ایشان در تاریخ هشتم خرداد همان سال فرمودند: «فتح خرمشهر یک مسئله‌ی عادی نبود، اینکه ۱۵

الی ۲۰ هزار نفر به صف برای اسارت بیایند و تسلیم شوند مسئله عادی نیست، بلکه مافوق طبیعت است.» (اردستانی، ۱۳۸۴، ص ۲۵) این چنین بود که ایران با انجام ۴ عملیات بزرگ با نام‌های ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس توانست به هدف اولیه، یعنی آزادی کامل مناطق استراتژیک اشغالی دست یابد. در این مرحله موازنه‌ی استراتژیک به نفع ایران تغییر یافت. در این شرایط امکان مصالحه بالا بود اما حمایت ابر قدرتها از عراق و مخالفت با اراده‌ی پولادین ایران باعث مرحله‌ی دوم جنگ گردید. در این مرحله هیچ نوع تلاشی برای مصالحه میان دو طرف رخ نداد. از سوی دیگر ایران که دست بالا را در بازی داشت بی میل نبود تا خود وارد عمل شده و متجاوز را تنبیه کند. ماهیت سلطه ستیز نظام نو پای ایران، به او این اجازه را می‌داد که در چنین فرصتی که از قدرت لازم برخوردار است با حمله به عراق، الگوی خود را به دیگر جوامع نیز ارائه کند. این استراتژی مورد توجه و تایید آیت‌الله خمینی (ره) نیز قرار داشت به طوریکه سردار محسن رضایی در این باره می‌گوید: «امام به نتیجه بخش بودن استراتژی حداقل اعتماد نداشتند، از این رو در صحبت خود با رزمندگان، سقوط صدام را عنوان می‌کردند» (اردستانی، ۱۳۸۴: ۲۷).

در همین دوران اسرائیل برای تحت فشار قرار دادن شیعیان لبنان و فلسطین به مرزهای جنوبی لبنان حمله‌ور شد. قدرت یافتن اسرائیل که برای عراق بسیار خوش آیند بود باعث غلیان روحیه‌ی انقلابی مبارزان ایرانی شد. طرح شعار راه قدس از کربلا می‌گذرد در آن دوران نیز پاسخ مناسبی بود؛ زیرا از یک طرف مسئله‌ی عراق فراموش نمی‌شد، از سوی دیگر نسبت به یورش اسرائیل واکنش نشان می‌داد. به همین دلیل نه تنها گروهی از چریک‌های ایرانی برای آموزش و مبارزه به لبنان رفتند، بلکه عملیات رمضان و محرم و مسلم بن عقیل در جبهه‌های گوناگون طراحی و اجرا شد. البته با توجه به پیچیدگی و عدم شناخت کافی از خاک عراق

عملیات رمضان موفق نبوده و تنها دو عملیات محدود دیگر موفقیت آمیز بودند. در این مرحله استراتژی دو کشور به طور کامل تحول یافت. عراق به ضرورت دفاع از بقای نظام خود پی برد که نتیجه‌ی این مسئله تقویت گسترده‌ی یگانهای زرهی و نیروی هوایی بود. از سوی دیگر عراق موانع دفاعی بسیار گسترده و متنوعی نیز در خاک عراق تدارک دیده شد. در مقابل ایرانیان که با هدف وارد کردن ضربات بزرگ به خاک عراق یورش برده بودند، به علت عدم شناخت کافی از عمق استراتژیک دشمن و افزایش قدرت پاتک دشمن با شکست مواجه شدند. در این زمان بود که رهبر فقید انقلاب با درایت به فرماندهان هشدار داد: «این (عدم الفتحوالفجرمقدماتی) سیلی‌ای بود که خدا به شماها زد که حواستان را جمع کنید.» (اردستانی، ۱۳۸۴: ۷۵) سردار رضایی در خاطرات خود در این زمینه افزودند که: امام پس از مشاهده‌ی ناراحتی فرماندهان و تضعیف روحیه آنها، در ملاقات با بنده و چند تن دیگر از فرماندهان اظهار داشتند: «چرا ناراحت هستید، حضرت امیر در جنگ صفین شکست سخت سیاسی خورد اما نیفتاد، حضرت امیر دوباره بلند شد. نکند روحیه تان تضعیف بشود. ما برای تکلیف داریم می‌جنگیم ... همان طور که نماز می‌خوانیم و روزه می‌گیریم.» (اردستانی، ۱۳۸۴، ص ۷۶)

سال ۱۳۶۲ جنگ میان دو کشور، به نوعی با گره استراتژیک آغاز روبرو شد؛ و این گره باز نمی‌شد، مگر با استفاده‌ی یکی از طرفین از خلاقیت و ابتکار نظامی، عراق به علت حضور در خاک خود و مراحل بازسازی توان نظامی خود، امکان این کار را نداشت. پس گره‌ی سکون جنگ تنها به یک صورت ممکن بود. در چنین شرایطی با فرمان امام و مدیریت سپاه عملیات خیبر طراحی شد. این حرکت عراق را غافلگیر کرد. تصرف جزایر مجنون و تسلط بر منابع نفتی بسیار بالای آن و مقاومت گسترده‌ی سپاهیان در زیر آتش سنگین دشمن موجب شد تا مسئله‌ی ابتکار نظامی جنگ را از رکود خارج کرد. نکته اینجاست که سپاه تمامی نیرو، توان

تسلیماتی و فرماندهان خود را در این عملیات به کار برد تا فرمان امام مبتنی بر «حفظ جزایر» را عملی کند. (اردستانی، ۱۳۸۴: ۹۱). امام(ره) در پاسخ به واکنش چندگانه‌ی رسانه‌ها در مورد عملیات خیبر نیز افزودند: «میزان در این که جنگ ما خوب است یا بد، تبلیغاتی است که در خارج می‌شود، هر جا هر چه بیشتر تبلیغ بر ضد می‌شود، معلوم می‌شود که اینجا زیادت‌تر است؛ مثلاً در آنجایی که در طول این مدت، آنجاهایی که ما بیشتر، مثل خرمشهر که بیشتر از جاهای دیگر، ما پیروزی داشتیم، آنجا بیشتر تبلیغات می‌کردند. آنها هر وقت شکست زیادت‌تر باشد، به عبارت دیگر، حجم شکست آنها موافق با حجم تبلیغات شان است. هر چه تبلیغات شان زیاد بشود، این میزانی است که باید ملت توجه کند. هر جا دیدند که زیادت‌تر هیاهو می‌کنند، زیادت‌تر راجع به شکست ما می‌گویند، بدانید که آنجا پیروزی بیشتر بوده است. پیروزی حالا بهتر از همه پیروزیهایی است که ما تا حالا داشتیم و آن طوری که بعضی آقایان آمده بودند و می‌گفتند، یک مسئله‌ای است که باید جنگ‌های دنیا از آن چیز یاد بگیرند(صحیفه نور، ج ۱۸: ۲۵۳). عملیات بدر در سال ۶۳ نیز در ادامه‌ی همین جریان عملیات ابتکاری طراحی و اجرا شد. البته ناگفته نماند که در سال ۶۳ و آغازین روزهای سال ۶۴ تعدادی عملیات از جمله کمیل، طراحی شد اما به دلایلی که نیازی به ذکر نیست اجرا نشد.

سال ۶۳ با شکست برخی از عملیات‌ها و توقف نیروها در مواضع خود، هیچ پیروزی تعیین کننده‌ای برای طرفین رخ نداد؛ اما در سال‌های ۶۴ و ۶۵ موازنه مجدداً به نفع ایران عوض شد. در این دو سال سپاه و ارتش کاملاً تفکیک شده و نیروی مجزا برای سپاه تدارک دیده شد. فرماندهی فرآیند جنگ نیز تحول یافته و امام خمینی(ره)، آقای هاشمی رفسنجانی را به فرماندهی عالی جنگ انتخاب کرد و تنظیم رابطه‌ی بین ارتش و سپاه را به ایشان سپرده؛ سال‌های آغازین، جنگ فشار بسیاری به توان کشور آورده بود که نیاز به بازسازی آن احساس می‌شد.



اینجا بود که امام امت با نکته‌سنجی وارد عمل شده و جنگ را در این مرحله «واجب کفایی» نامید. این مسئله باعث شد تا هجوم مردمی که هیچ آمادگی و آموزش نظامی ندیده بودند، کاهش یافته و با تحولات عمیق در سطح قوای نظامی، آموزش کافی برای آنها تدارک دیده شود. از سوی دیگر با تلاش‌های گسترده و مدیریت مناسب اجرایی کشور باعث شد تا از توان صنعتی کشور برای بازسازی، ترمیم و تولید تسلیحات و جنگ افزارها استفاده شود. از سوی دیگر در همین سال‌ها بود که جنگ شهرها، حمله به نفتکش‌ها و بمباران تاسیسات نفتی آغاز و تشدید شد.

دامنه عملیاتی‌های جمهوری اسلامی در این دوره (۱۳۶۴ تا ۱۳۶۵) به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. شاید بتوان گفت، بیشترین عملیات در دوران جنگ (از نظر کمیت و کیفیت) در این مقطع انجام شد. ضمن آنکه انواع عملیات‌های ایذایی، محدود، متوسط و بزرگ، مورد توجه قرار گرفت. از جمله ویژگی‌های نظامی این مقطع، توسعه عملیات‌های نامنظم بود که قرارگاه رمضان به صورت چریکی و با کمک نیروهای اتحادیه میهنی کردستان عراق و برخی دیگر از گروه‌های شمال عراق، علیه مواضع ارتش عراق اجرا کرد. (اردستانی، ۱۳۸۴: ۱۶۲)

در این دوره، سپاه سه عملیات بزرگ والفجر ۸، کربلای ۴ و کربلای ۵ را طراحی و اجرا کرد. به علاوه، برای اولین بار، پنج عملیات محدود را با عنوان عملیات‌های قدس و عاشورا در جنوب (هورالهویزه) به انجام رسانید. می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اقدامات نظامی جمهوری اسلامی که سپاه مجری آن بود، در مقطع سوم در جبهه جنوب متمرکز بود؛ به گونه‌ای که در پایان این مرحله موازنه نظامی به طور کامل به نفع ایران تغییر یافت (اردستانی، ۱۳۸۴: ۱۶۳).

برجسته‌ترین مسئله در سال ۶۵ نیز ماجرای «مک فارلین» بود. امریکا که در این مقطع به شدت به گسترش روابط با ایران و کنترل مواضع انقلابی آن علاقه داشت، با طرح مسائلی چون تحویل تسلیحات بلوکه شده و ... به سمت ایران گرایش

یافت. «مک فارلین» نیز در خرداد ۶۵ به ایران آمد، اما با درایت امام(ره) هیچ ملاقات مهمی میان گروه امریکایی و سران ایرانی رخ نداد. این مسئله باعث شد تا رابطه‌ی عراق و امریکا از یک طرف تضعیف شود؛ و از طرف دیگر پایدردی و اصلت انقلاب و انقلابیون بار دیگر به اثبات برسد. بدین ترتیب ماجرای «مک فارلین» به علت هوشیاری امام خمینی(ره) به یک پیروزی برجسته مبدل شده و ایالات متحده را در باتلاق شکستی عظیم غرق ساخت.

اما سالهای آتی جنگ که به پایان آن انجامید دارای شرایط خاصی بود. در مقطع سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۶۴ ه. ش که امریکا به عنوان صحنه گردان اصلی با نگرانی و حساسیت بیشتر اوضاع جبهه‌های نبرد را زیر نظر داشت، توازن نظامی به دلیل ابتکارات ایران به ضرر عراق جریان یافت و نو آوریهای بدیع نظامی ایران هر بار به گونه‌ای خاص موجب سقوط دیوار دفاعی عراق شد. به نظر می‌رسید که ادامه‌ی استراتژی مدیریت نزاع، بخصوص آنکه بر یکی از طرفین درگیری (ایران) هیچ گونه کنترلی وجود نداشت، موجب پیامدهای غیر قابل پیش‌بینی در جنگ شود. از این رو، امریکاییها دخالت مستقیم را براستراتژی مدیریت نزاع ترجیح دادند. از این پس آنها نه به عنوان یک حامی بلکه به عنوان شریک نظامی عراق وارد عمل شده و سعی کردند با تامین بخشی از خواسته‌های ایران بخصوص پذیرفتن تعیین متجاوز، پرداخت غرامت و... که در قطعنامه ۵۹۸ لحاظ شد، زمینه اقدام نظامی را فراهم کنند و در صورت تن ندادن ایران به وضعیت جدید، بهانه دخالت مستقیم را از قبل مهیا سازند. اگر چه سیاست جدید امریکا، با دخالت مستقیم نظامی و درگیر شدن با ایران نتیجه داد و جنگ عراق و ایران به پایان رسید، اما هزینه‌ی آن برای امریکا قابل ملاحظه بود. (اردستانی، ۱۳۷۸: ۱۸۱ و ۱۸۲)؛ بنابراین با توجه به شرایط بوجود آمده‌ی داخلی و خارجی، امام(ره) قطعنامه‌ی ۵۹۸ سازمان ملل را پذیرفت و برطبق قطعنامه دو کشور به مرزهای بین‌المللی خود بازگشتند.

## ● جمع‌بندی

### اصول مدیریتی حضرت امام(ره)

نظرات و شیوه مدیریتی امام خمینی(ره) پیرامون مدیریت بحران جنگ تحمیلی دارای ویژگی‌هایی بوده و در چارچوب اندیشه‌ی سیاسی ایدئولوژیک قرار می‌گیرد؛ چرا که امام(ره) به خوبی به شناسایی مسئله اقدام نموده و ریشه‌ی مشکلات را شناسایی می‌کند. درک صحیح و کامل رهبر انقلاب از ریشه‌های بحران جنگ تحمیلی باعث شد تا به خوبی این بحران را مدیریت نموده و در نتیجه، ملت ایران با سرسپردن به فرامین رهبرشان توانستند در مقابل ارتش بعثی صدام مقاومت کنند. در این شرایط درایت امام(ره)، اتحاد و رشادت ملت انقلابی ایران دست به دست هم داده و متجاوزین را از خاک ایران بیرون رانده و تنبیه نمودند.

آموزش‌های دینی و حیات طولانی مدت ایشان در میان قشر مذهبی باعث شده تا الگوی فکری دینی در ذهن ایشان شکل گیرد. در نتیجه طرز فکر مذهبی و روش فقهی بر اندیشه‌های ایشان مسلط گردید. در نتیجه شیوه مدیریتی ایشان نیز رنگ و بوی دینی به خود گرفت. ارائه‌ی الگوی حکومتی ولایت فقیه که دارای روش و محتوای اسلامی است، مهم‌ترین مصداق مذهبی و فقهی بودن اندیشه‌های سیاسی امام خمینی(ره) به شمار می‌رود.

این مسئله در شیوه مدیریتی امام(ره) در مورد بحران جنگ تحمیلی نیز صادق است. چرا که ایشان در سخنان خود در طول جنگ بارها از مثال‌ها و استدلال‌های فقهی استفاده کردند که قبلاً نیز به برخی از آنها اشاره شده است؛ اما تمامی افکار ایشان دارای ریشه‌ها و اصولی است که از پراکندگی گفتمان انقلابی - اسلامی ایشان ممانعت به عمل می‌آورد. این اصول به نوبه‌ی خود ریشه در اندیشه‌ی فقهی دارد. با ارائه‌ی مواردی از عصر پیامبر و ائمه‌ی معصوم و اشاره به کلام خداوند این اصول بررسی خواهد شد. به بیان دیگر اصول پنج‌گانه عدالت، مصلحت، کرامت، عزت و حفظ اسلام و نظام اسلامی با شکل دادن به اندیشه، کلام و شیوه مدیریتی امام

خمینی(ره) در کنترل بحران جنگ تحمیلی باعث شد تا تاریخ هشت ساله‌ی دفاع مقدس مسیر خود را به شکل مطلوبی طی نموده و به موفقیت ایران منتهی گردد. وجود ۵ اصل را مطرح نموده که این اصول (عزت، مصلحت، عدالت، کرامت و حفظ اسلام و نظام اسلامی)، پایه‌های ساختمان مدیریتی امام خمینی(ره) بوده است؛ در این بخش به ترتیب وجود هر یک از این اصول را بررسی می‌کنیم.

#### - اصل عزت

مسئله‌ی عزت بیانگر نوعی اعتماد به نفس و عدم وابستگی است. همین عزت و آزادگی است که باعث شده تا ما شاهد رشادت‌های گوناگون در طول جنگ از سوی رهبران و رزمندگان باشیم. یکی از مهم‌ترین نمونه‌های رعایت اصل عزت «ماجرای واترگیت» بود. در این ماجرا بود که امام(ره) هرگونه رابطه و معامله با ایالات متحده را ممنوع کرد. اگر چه شاید رابطه با یک ابرقدرت و معامله‌ی تسلیحاتی با آن «بویژه در عصر نظام بین الملل دو قطبی» می‌توانست کمک بالایی به ایران به شمار آید، اما این کار ایران را مجدداً تحت سلطه و در جبهه‌ی غرب قرار می‌داد. در نتیجه ایران جایگاه مستقل و هویت نوین خود را از دست داده و آن عزت و آزادگی از میان می‌رفت.

در این زمینه مثال‌های بسیاری در تاریخ اسلام وجود دارد. سال‌های آغازین پس از هجرت مصادف بود با تیرگی روابط یهودیان و مسلمین. کنایه‌ها و عداوت یهودیان با مسلمین به حدی شدت گرفت که خداوند رحمان در آیات ۶۵-۶۷ سوره‌ی آل عمران فرمود: ای اهل کتاب چرا در دین ابراهیم خصومت می‌کنید؟ مگر نه این است که تورات و انجیل پس از ابراهیم فرستاده شده است؟ شما در آنچه نمی‌دانید خصومت کردید... ابراهیم نه یهودی بود و نه ترسا و نه مشرک بلکه مسلمانی حنیف (و با اعتقاد) بود؛ اما کنایات اهل مدینه عزت پیامبر را نشانه گرفته بود.

حادثه‌ای که چندی بعد رخ داد و به یکباره مسلمانان را از یهود جدا ساخت، تغییر قبله بود. پیغمبر (ص) تا هفده ماه پس از ورود به مدینه هنگام نماز رو به مسجدالاقصی می‌ایستاد. یهودیان می‌گفتند محمد قبله نداشت تا آنکه ما بدو یاد دادیم. رسول از این سرزنش آزرده خاطر بود. روزی که در مسجد بنی‌سلمه نماز ظهر می‌خواند (شعبان سال دوم) در بین نماز این آیه بر وی نازل شد: «همانا می‌بینیم گردش روی تو را در آسمان، پس همانا ما برای تو قبله‌ای قرار می‌دهیم که از آن خشنود باشی پس برگردان روی خود را به سوی مسجدالاحرام و هر جا که بودید بگردانید روی‌های خود را بدان جهت و همانا آنانکه دادیم به آنها کتاب را می‌دانند که آن حق است از جانب پروردگارشان و خدا از آنچه می‌کنند غافل نیست (بقره، ۱۴۴)». پیغمبر در همان حال روی را از بیت‌المقدس به طرف کعبه کرد. این مسجد در تاریخ اسلام به مسجد ذوالقبلتین معروف شده است.

در چنین موقعیتی بود که عزت اسلام و مسلمین حفظ شد. استقلال آنها از دیگر ادیان که در حوزه‌ی کتاب و پیامبر نمایان شده بود، در حوزه‌ی قبله و نماد نیز به وجود آمد. از آن روز به بعد بود که سربلندی و عزت در نزد مسلمین رواج یافت. چرا که از آن زمان به بعد آنها هرگز احساس کمبود و ضعفی در مقابل مشرکان و یهودیان نداشته و راه خود را از آنها کاملاً جدا نمودند. نمونه‌های از این دست در عصر پیامبر بسیار است. در ماجرای تبوک، پیامبر علی‌رغم گرمای وحشتناک اما به خاطر عزت مسلمانان، بزرگترین لشکر عربستان را تا آن تاریخ برای جنگ با رومیان - که ابر قدرت آن زمان جهان بودند، فراهم کرد. اگر چه در تبوک جنگی رخ نداد اما قدرت اسلام چشمان اهل عربستان را چنان خیره کرد که بسیاری به اسلام گرویدند (شهیدی، ۱۳۸۳: ۹۸). در نتیجه می‌بینیم که حرکت و تعلیمات امام (ره) در طول بحران هشت ساله جنگ تحمیلی مشابهت‌های زیادی با عصر آغاز حکومت اسلامی داشته و در نتیجه وجود مسئله‌ی عزت در آرا، سخنان و شیوه‌ی مدیریتی امام به اثبات می‌رسد.

### - اصل کرامت

دومین اصل و یکی از مهم‌ترین مولفه‌های مؤثر در تعیین حدود شخصیت انسان مسلمان، داشتن مسئله‌ی کرامت انسانی است. کرامت به عنوان صفتی که مختص انسان‌های والا مقام است، مبین وجود نوعی بخشش و بزرگی در طبع افراد به شمار می‌رود. بسیاری از وقایع دوران پیامبر(ص) و ائمه نیز هدفی را دنبال نمی‌کرد مگر ارتقا درجه‌ی کرامت انسان‌ها، چه مسلمان باشند چه نباشند. امضای نخستین پیمان نامه‌ی عمومی در یثرب و به رسمیت شناختن حقوق یهودیان آن شهر در آغازین روزهای حضور پیامبر در این شهر از مهم‌ترین نمونه‌های رعایت اصل کرامت از سوی پیامبر بود (شهیدی، ۱۳۸۳: ۶۶-۶۴). ماجرای محاصره شعب ابی طالب، برادری انصار و مهاجرین و وقایع عاشورا نیز از مثال‌های دیگری است که در سنت و اسناد مربوطه در ارتباط با کرامت انسان‌های آزاده وجود دارد. در دوران دفاع مقدس نیز رهبران ایران کرامت انسانی ملت ایران و عراق را کاملاً رعایت نمودند. ایران آغازگر حملات موشکی به شهرها و مناطق مسکونی نبود و هرگز از تسلیحات نامتعارف از جمله بمب‌های شیمیایی استفاده نکرد، در دوران پس از جنگ نیز رفتار ایرانیان با اسرای عراقی بسیار منصفانه و بر اساس آموزه‌های دینی بود، در حالی که ارتش بعث اسرای ایرانی را به شدت مورد آزار و شکنجه قرار می‌داد، در مقابل سربازان اسلام با تکیه بر اصول اسلام، هرگز پا را از خطوط معین شده فراتر نگذاشته و به حیثیت ملت عراق توهینی روا نداشتند، بر این اساس است که تحلیل‌های ما در طول مطالعه پیرامون دفاع مقدس مبین وجود اصل کرامت و رعایت این اصل در گفتمان و شیوه‌ی مدیریتی امام خمینی(ره) در کنترل بحران ۸ ساله جنگ تحمیلی بوده و این بخش از فرضیه نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد.

### - اصل مصلحت

اصل سوم در مورد مدیریت بحران جنگ، مسئله‌ی رعایت مصلحت نظام

اسلامی است. مصلحت اصولاً در مواقعی مطرح است که در آن زمینه حکم قطعی وجود ندارد. به بیان دیگر در مورد احکام اولیه و احکام عبادی از آغاز اسلام به طور کامل و بوضوح معین شده اند، در نتیجه هیچ نوع تغییر و تنوعی در موردشان وجود ندارد؛ اما در مورد احکام ثانویه و احکامی که به مرور زمان ایجاد شده اند، امکان تغییر در شرایط گوناگون وجود دارد. مسئله‌ی جنگ نیز دارای دو بعد است: بعد استراتژیک و کلان و بعد تاکتیکی. اسلام در سطح اول اشاره می‌کند که جنگ الزاماً می‌باید در راه خدا بوده و هرگز اهداف مادی در آن نباید مطرح گردند. علاوه بر این، جنگ در سرزمین اسلامی الزاماً باید تدافعی باشد و تهاجم بویژه به منظور کشورگشایی و سلطه جویی همواره مورد نکوهش بوده است.

که این موارد همواره در مورد دفاع مقدس عادی است؛ اما سطح دوم تحلیل‌ها و احکام مربوط به تاکتیک‌های مدیریتی در بحران جنگ است. در مواردی این چنین، باید با توجه به شرایط و اطلاعات رفتار کرد. برای مثال پیامبر با توجه به پیچیدگی بالای جنگ مویه برای لشکر اسلام سه فرمانده مشخص کرد تا در صورت شهادت هر یک از آنها دیگری امور را به عهده بگیرد تا از پراکندگی مبارزان جبهه‌ی اسلام ممانعت به وجود آید. نکته این جاست که در آن جنگ هر سه فرمانده به شهادت رسیدند و مسلمانان عقب‌نشینی کردند (شهیدی، ۱۳۸۳: ۹۲-۹۴). تدارک لشکر برای تلافی شکست مویه به رهبری جوانی به نام اسامه بن زید از دیگر صلاحیدهای پیامبر در آخرین روزهای حیات خود به شمار می‌رفت (شهیدی، ۱۳۸۳: ۱۰۴).

در طول بحران هشت ساله‌ی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، از این جوانان که ریاست تیپ‌ها و لشکرها را به عهده گرفته بودند، اصلاً کم نبودند. شهیدان همت، باکری، صیاد شیرازی، زین الدین و ... و سردارانی چون محسن رضایی، نمونه‌ای هزاران جوان رشیدی بودند که صلاح را در رشادت و شهادت دیدند تا نظام نوپای اسلامی ایران را حفظ کنند. یکی از دیگر مواردی که در این میان قابل طرح است،

سپردن مدیریت کلان جنگ به سیاست مداری کار کشته و یکی از مردان باسابقه‌ی انقلاب، یعنی حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، از سوی امام خمینی (ره) بود. مصلحت نظام در آن زمان در آن بود که به علت پیچیدگی بالای بحران بوجود آمده ناشی از جنگ، سپردن آن به ارتشی که افسران متواری یا اعدام شده بودند کار درستی نبود.

البته ارتباط بسیار تنگاتنگی میان اصل مصلحت و اصل ضرورت حفظ نظام اسلامی وجود دارد. هدف غایی در هر مصلحت جویی، همانا حفظ اسلام و مظاهر و شعائر آن است. به بیان دیگر شرایط مختلف پیش آمده در مقابل حکومت‌های اسلامی به این امر منجر می‌شود که ما برای حل بحران‌های موجود از روش‌های متناسب با آن شرایط استفاده کنیم. برای مثال امام علی (ع) پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) علیرغم آگاهی کامل به مسئله‌ی خلافت خود چشم پوشی کرد. چرا که امام اول شیعیان مصلحت و صلاح کار را در این می‌دید که از حکومت بر مسلمین امتناع کند تا اتحاد و یکپارچگی در حکومت اسلامی از میان نرود.

برای مثال مصالحه ایران و عراق و پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ توسط امام (ره) نیز از همین دست است. اگر روزی مصلحت کشور در این بود که با شعار «راه قدس از راه کربلا می‌گذرد» ارتش ایران پا به خاک عراق گذاشته و هدف تغییر رژیم در عراق و تشکیل حکومتی دینی در این کشور دنبال گردد، در سال پایانی جنگ نیز مصلحت در این بود که صلح برقرار گردد. چرا که موازنه‌ی نیروها به نفع عراق تغییر یافته بود. آغاز جنگ نفتکش‌ها، ورود ایالات متحده به جنگ، وضعیت بین‌المللی و همچنین وضعیت داخلی کشور باعث شد تا دو راه در مقابل رهبر انقلاب قرار گیرد؛ راه نخست راه رشادت‌ها بواسطه‌ی تداوم جنگ بود، و راه دیگر مصالحه و حفظ نظام در شرایطی بود که ایران دیگر کشوری تثبیت شده و قوی در منطقه به شمار میرفت. با انتخاب راه دوم توسط مسئولین کشوری و برقراری صلح میان دو کشور، عراق از سوی سازمان ملل متحد آغازگر جنگ اعلام گردید.



## - اصل عدالت

چهارمین اصل مقاله اصل عدالت است. اصلی که شاید به علت وضوح ارتباط آن با هر گونه مناقشه و بحرانی، وجودش بدیهی باشد؛ اما نکته اینجاست که عدالت به خودی خود بسیار پیچیده و مجادله برانگیز است. چرا که همواره هر یک از طرفین در دعاوی، مجادلات و منازعات، حق را از آن خود دانسته و معتقدند که عادلانه رفتار می‌کنند. شعار عدالت و برابری چنان رایج و پرکاربردی است که از لیبرال تا مارکسیست، از سنتی تا مدرن، از راست تا چپ و از یهودی و مسیحی تا مسلمان همگی داعیه‌ی عدالت داشته و تعاریفی را برای آن ارائه می‌کنند. نکته اینجاست که ابهام در مفهوم عدالت و تنوع آن تنها با ارائه‌ی مصادیق و مثال‌ها از سوی طرفین مرتفع می‌گردد.

رعایت انصاف و عدالت از سوی ایران ریشه و بعد حقوقی نیز داشت. رعایت معاهدات مربوط به حقوق غیر نظامیان در طول جنگ و رعایت حقوق اسرای جنگی و همکاری با سازمان‌های صلیب سرخ و سازمان ملل متحد از سوی ایران نشانه‌ای بر عدالت خواهی در رفتار جمهوری اسلامی ایران و رهبر فرزانه‌ی آن بوده و هست. پایبندی ایران اسلامی به عدم استفاده از تسلیحات غیر متعارف در طول دفاع مقدس، در حالی که دشمن بعثی به راحتی چنین جنگ افزارهایی را به کار می‌برد، موجب تعجب بسیاری می‌شد. در صورتیکه اگر شناخت مناسبی از اندیشه‌ی امام و روحیه‌ی پاک سربازان این کشور وجود می‌داشت، کشف مسئله‌ی انصاف و عدالت در این زمینه امری بسیار ساده می‌نمود. نکته‌ی دیگری که در باب عدالت مطرح است، وجود منبع خارجی برای قضاوت عادلانه و به بیان دیگر استقلال قاضی و فرایند قضاوت او از طرفین دعاوی موجود است؛ و این امر زمانی محقق می‌شود که طرفین منازعه به حکم اتخاذ شده پایبند باشند. نمونه‌ی بارز این موضوع در صدر اسلام و در جنگ صفین رخ داد. در جایی که حضرت علی(ع) با وجود آگاهی از خدعه‌ی ترتیب داده شده، با حکم داوران موافقت کرد. در مورد

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی نیز این دولت جمهوری اسلامی ایران بود که قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد را پذیرفته و به آن پایبند ماند؛ تا شاید بدین وسیله نه تنها از تداوم کشت و کشتار ممانعت به عمل آورد، بلکه حقانیت خود را نیز به اثبات رساند؛ بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده، اصل عدالت همواره نقش پررنگی را در تصمیمات، گفت‌وگوها و شیوه مدیریتی امام(ره) در کنترل بحران جنگ ۸ ساله تحمیلی داشته است.

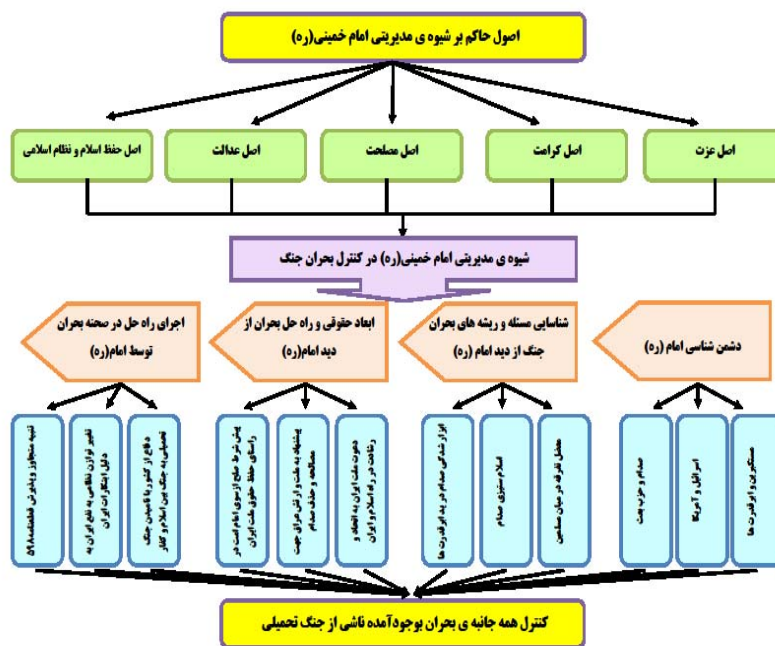
#### - اصل حفظ اسلام و نظام اسلامی

تاریخ سده‌ی گذشته مملو است از تلاش برای تشکیل حکومت‌های اسلامی در جوامع مسلمان که در بسیاری از موارد این تلاش‌ها به شکست انجامیده است. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی به رهبری امام خمینی(ره) مهمترین نمونه‌ی موفق از تشکیل حکومتی مبتنی بر احکام دینی اسلام بود که آغازگر تحولات گسترده‌ای گردید؛ اما تثبیت و تداوم این تحولات نیازمند تثبیت موقعیت جدید این کشور مستقل در منطقه بود. از این رو مهم‌ترین هدف هر نظام نوپایی، یعنی حفظ آن نظام به ایران نیز تسری یافت. این مسئله با توجه به ماهیت اسلامی انقلاب در مورد خود اسلام نیز مطرح گردید. جنگ هشت ساله‌ی تحمیلی عراق علیه ایران شاید عمده‌ترین بحران پیش روی ایران اسلامی بود. و تنها دلیل ایران برای ورود به جنگ در مقابل صدام حفظ اسلام و ایران اسلامی در مقابل هجوم ظالمین و مستکبرین بود. این نکته در آرا و شیوه‌ی مدیریتی امام(ره) به وضوح قابل مشاهده است؛ زیرا همانگونه که در فصل گذشته اشاره شد، پیامد مبارزه در راه خدا و حفظ اسلام آن است که وعده‌ی پیروزی در آن از همان آغاز داده شده است. از این رو شکی نیست که شرکت در جنگی که سراپا پیروزی و ظفرمندی است، نشان از حقانیت سربازان اسلام دارد و پایداری و ماندگاری نظام اسلامی را نوید می‌دهد. دلیل این پیروزی نیز همانا سخن پروردگار است؛ هنگامی

که میان مسلمانان و یهودیان بنی قینقاع منازعه‌ای صورت گرفت (شهیدی، ۱۳۸۳: ۷۹)، یهودیان، داعیه‌ی جنگ آوری سر دادند و از تجهیزات و توان نظامیشان دم زدند؛ اما در نهایت همانگونه که در آیات ۱۲ و ۱۳ سوره‌ی مبارکه آل عمران آمده است شکست خوردند و همین طور نیز بود که عراق با آن همه تجهیزات پیشرفته و حامیان بزرگ و کوچک توان مقاومت در مقابل نیروی الهی ایران اسلامی را نداشت.

بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده، می‌بینیم که اصل حفظ اسلام و نظام اسلامی از ارکان مدیریتی امام (ره) در کنترل بحران ۸ ساله جنگ تحمیلی می‌باشد که امام (ره) با توجه به این اصل توانست در میدان حملات همه جانبه صدام و متحدانش، کشور را به سرمنزل امن برساند، بنابراین با استناد به اصول ارایه شده مدل تحلیلی مقاله بشرح ذیل ارایه می‌گردد.

● مدل تحلیلی:



## نتیجه‌گیری

اصولاً حیات هر ملتی پر است از بحران و حوادث مهمی که تاریخ و سرنوشت شان را شکل می‌دهد. این پدیده‌های تاریخی و رویدادهای مهم به علت اثرات برجسته‌ای که بر آینده‌ی جمعی اعضای گروه مذکور دارد، دارای اهمیت بوده و لازم است که چنین پدیده‌هایی به خوبی مورد کندوکاو قرار گیرند. تاریخ ملت ایران نیز از دیرباز شاهد ظهور و زوال حکومت‌ها و وقوع اتفاقات مهمی بوده است. تاریخ معاصر ما در مراحل دارایی پدیده‌های مهمی از جمله جنبش مشروطه، کودتای ۳۲ و انقلاب اسلامی بوده است. یکی دیگر از مسائل مهم در این مسیر بحران جنگ هشت ساله‌ی تحمیلی صدام علیه ایران بوده است که نیاز به مطالعه دارد. لذا در این مقاله تلاش کردیم از زاویه‌ای دیگر به این مسئله‌ی حیاتی بپردازیم.

اما در این میان نکته‌ی دیگری نیز مطرح است. اصولاً همواره در فضای علمی صحبت از ابعاد گوناگون بحران جنگ سخن به میان می‌آید؛ به عبارت دیگر بحران جنگ‌ها به مثابه پدیده‌های فراگیر، دارای ابعاد فکری، نظامی و سیاسی هستند؛ و از طرفی همواره هر جنگی پیامدهای گسترده‌ای را در حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ و سیاست در پی داشته و دارد. این موضوع به این مسئله منجر می‌شود که ضرورتاً مطالعات بحران جنگ بینا رشته‌ای شده و یا برای درک بهتر موضوع گروهی از پژوهشگران با توجه به تخصص خود، هر یک به جنبه‌ای خاص از آن بپردازند.

سؤالی که در این مرحله مطرح می‌شود به انتخاب اندیشه‌هاست. چرا که تمامی وقایع تاریخی از زوایای گوناگون و از دیدگاه افراد بسیاری مطرح شده‌اند. اصولاً علت وجود اندیشه‌های متفاوت و متنوع از پدیده‌ای واحد در تاریخ، وجود همین تنوع در نقطه‌ی آغاز تحلیل است. برخی از این اندیشه‌ها به علت مزایای خاصی که دارند نسبت به موارد مشابه ارجحیت دارند. در این مقاله که به مطالعه‌ی اصول

حاکم بر شیوه‌ی مدیریتی امام خمینی (ره) در کنترل بحران ناشی از جنگ تحمیلی اختصاص دارد، اشاره به سه نکته الزامی است؛ نکته‌ی اول مسئله‌ی زمان است، تحلیل پدیده‌ها در زمان وقوع به علت ارتباط مستقیم افراد، امام خمینی (ره) با رویداد مذکور بسیار صادقانه برخورد نموده و از حضور واسطه‌ها در شناخت مسئله جلوگیری می‌نمودند. نکته‌ی دوم، تاثیرگذاری افکار ایشان بر مسیر رویداد مذکور است. به بیان دیگر برخی از افراد از آن رو تاریخ ساز می‌شوند که افکار و اندیشه هایشان در ارتباط با جهان واقع، بر آن تأثیر گذاشته و مسیر و شکل رویداد را تغییر می‌دهند، در این زمینه نیز بیانات و درایت امام (ره) به خوبی توانست با تسلط بر مسیر بحران جنگ، آن را به پایان خوش پیروزی و ظفرمندی رهنمون گرداند. نکته‌ی سوم و آخر در مورد انتخاب اندیشه مناسب تر، انسجام، جامعیت و آگاهانه بودن آن است، امام خمینی (ره) با توجه به سواد فقهی مثال زدنی و آگاهی سیاسی بالای خود به خوبی توانستند ابعاد گوناگون بحران جنگ را درک نموده و با بیانات خود، ملت ایران را در این مرحله از تاریخ حیاتشان سربلند کنند. در این مقاله سعی شد تا بر اساس دو معیار، سال جنگ و وضعیت دو طرف درگیر، بحران جنگ تحمیلی به ۸ مرحله تقسیم شود. بدین طریق وقایع و عملیات‌ها در هر سال از بحران جنگ مرور شده و نحوه‌ی تغییرات در جبهه‌های نبرد مطالعه شد.

پس از شناخت تحولات بحران جنگ تحمیلی، نوبت به مرور آرا و شیوه‌ی مدیریتی امام (ره) در کنترل این بحران می‌رسد. قسمت دوم که به این امر اختصاص یافت که آرا و شیوه‌ی مدیریتی امام (ره) در کنترل بحران جنگ تحمیلی در دو سطح استراتژیک و مفهومی از یک سو و سطح تاکتیکی و مدیریتی از سوی دیگر بررسی شد. مرور بیانات ایشان در حوزه‌ی نقش و جایگاه ابر قدرت‌ها، نقش مردم در تشکیل حکومت و حفظ آن در جنگ به بعد استراتژیک می‌پردازد و در انتها نیز به بیانات امام (ره) در مورد نظامیان، عملیات‌های نظامی و نحوه‌ی مدیریت جنگ اشاره گردید. در قسمت سوم اصول حاکم بر نظرات مدیریتی امام همراه با

تعاریفی از اندیشه و فلسفه‌ی سیاسی امام(ره) مطرح گردید. از سوی دیگر بر اساس استدلال‌ات ارائه شده، این موضوع نیز مطرح شد که اندیشه‌ی سیاسی ایشان، اندیشه‌ای اسلامی نیز می‌باشد. سپس با ارائه‌ی مصادیق و مثال‌هایی از منابع فقهی از جمله قرآن و سنت، وجود پنج اصل عزت، کرامت، عدالت، مصلحت و حفظ اسلام و نظام اسلامی در طول بحران جنگ تحمیلی، به عنوان مؤلفه‌های اصلی و نهایی اندیشه‌ی امام(ره) به اثبات رسید. توصیف و تحلیل آرا و اصول حاکم بر شیوه‌ی مدیریتی امام(ره) در کنترل بحران جنگ تحمیلی ما را به این نتیجه رهنمون ساخت که ایشان به خوبی و با درایت والایشان، تدابیر سیاسی و اصول مذهبی را در موضوعی مثل بحران جنگ تحمیلی ترکیب نمودند. مدیریت و شناخت واقع‌بینانه‌ی این سیاستمدار بزرگ زمانی موفق شد که با تعاریف و نظرات دینی عجین گشت. به طوری که اصول پنج‌گانه مذکور، از دو منظر عقل و نقل معتبر بود و هستند. نتیجه‌ی این ترکیب موفق آن است که نه تنها نقلیون و ایده‌نالیست‌ها به پیروزی ایران در جنگ تحمیلی اذعان دارند، بلکه تمامی تحلیل‌گران سیاسی و عقل‌گرا نیز ناخواسته به این موفقیت معترفند. مهر تأیید اعتراف آنها نیز همان بیانیه‌ی خاویر پرز دکوئیار، دبیر کل وقت سازمان ملل متحد بود که در آن عراق را آغازگر جنگ برشمرده و به پرداخت خسارت متعهد نمود

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. اردستانی، حسین (۱۳۸۴)، تنبیه متجاوز، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۴. اردستانی، حسین (۱۳۷۸)، رویارویی استراتژی‌ها، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۵. اورعی، غلامرضا (۱۳۷۷)، اندیشه‌ی امام خمینی درباره‌ی تغییر جامعه، تهران، سوره.
۶. امام خمینی (۱۳۷۸)، وصیت‌نامه، تهران، عروج.
۷. امام خمینی، صحیفه‌ی نور (۱۳۷۴)، ج ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱.
۸. برینتون، کرین (۱۳۷۶)، کالبد شکافی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، سیمرغ.
۹. بشیریه، حسین (۱۳۷۶)، اندیشه‌ی سیاسی مارکسیستی، نشر نی.
۱۰. تیمرن، کنت. آر (۱۳۷۳)، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۱۱. پاکپور، محمد (۱۳۶۷)، «آخرین وضعیت خطوط مرزی ایران و عراق»، پایان‌نامه فوق لیسانس، مرداد.
۱۲. پوری‌رحیم، علی‌اکبر (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر مدیریت بحران ناشی از تهاجم، تهران، انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۱۳. جیمز، بیل (۱۳۷۱)، عقاب و شیر، ترجمه مهوش غلامی، تهران: انتشارات شهرآشوب، بهار ۱۳۷۱.
۱۴. حسینی، سید یعقوب و محمد جوادی‌پور (۱۳۷۳)، ارتش جمهوری اسلامی ایران، در هشت سال دفاع مقدس، جلد سوم: اشغال خرمشهر و شکستن حصر آبادان، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران.

۱۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۶۱)، ویژه‌نامه «گزارش نهمین کنگره حزب بعث درباره جنگ»، ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۲، رادیو بغداد، اسفند.
۱۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، شماره ۳۲، ۱ / ۲ / ۱۳۶۷.
۱۷. خبرگزاری پارس، «گزارش‌های ویژه»، شماره ۱۹۱، ۵ / ۷ / ۱۳۶۰، رادیواسرائیل، ۴ / ۷ / ۱۳۶۰، به نقل از هفته‌نامه نیوز و رلدی پورت.
۱۸. درودیان، محمد، «علل تهاجم و توقف اولیه عراق: بررسی نظریه‌های موجود»، مجله سیاست دفاعی، ویژه‌نامه جنگ تحمیلی، سال چهارم، شماره ۳ و ۴، تابستان و پاییز ۱۳۷۵.
۱۹. درودیان، محمد (۱۳۷۳)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، از خونین شهر تا خرمشهر، چاپ دوم، خرداد.
۲۰. درودیان، محمد (۱۳۷۵)، از خرمشهر تا فاو، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم.
۲۱. درودیان، محمد (۱۳۷۴)، نبرد در شرق بصره، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۲۲. درودیان، محمد (۱۳۷۶)، آغاز تا پایان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۲۳. درودیان، محمد (۱۳۷۳)، از فاو تا شلمچه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۲۴. درودیان، محمد (۱۳۷۶)، شملچه تا حلبچه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۲۵. دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۷)، نظریه انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه‌ی حضور، شماره‌ی ۲۶، زمستان.
۲۶. دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، جلد اول، مراسم افتتاحیه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، سخنان آقای هاشمی رفسنجانی، تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۶۸.
۲۷. رضائیان، علی (۱۳۸۰)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، انتشارات سمت.
۲۸. زونیس، ماروین (۱۳۷۰)، شکست شاهانه، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو.
۲۹. سلیمانی خواه، نعمت‌الله (۱۳۸۸)، پیروزی در جنگ؛ آموزه‌های قرآن و سنت، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.



۳۰. شهیدی، سید جعفر (۱۳۸۳)، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۳۱. کردزمن، آنتونی و آبراهام. آر.واگنر (۱۳۷۶)، درسهایی از جنگ مدرن، جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۳۲. متقی، ابراهیم (بی‌تا)، کارکرد نظام سلطه در روابط بین‌المللی از دیدگاه امام خمینی (ره)، وب سایت مرکز آثار امام خمینی.
۳۳. هدایتی خمینی، عباس (۱۳۷۰)، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص ۶۹.